

تحولات نیروی انسانی و توسعه پایدار

دکتر رضا رسولی؛ دکترارژنگ امیرخسروی، دکتر محمدجواد محمودی

چکیده

موضوع اشتغال یکی از مسائل عمده همه دولت‌مردان کشورهای جهان و پژوهشگران ذربط است عوامل متعددی در اشتغال و توسعه آن موثرند که شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، تکنولوژیکی، برنامه ریزی، بهره‌وری، زیر ساخت‌ها، مفاسد اجتماعی، اتوماسیون، منابع در دسترس و ... است. در بررسی وضعیت اشتغال کشور علاوه بر این‌ها بایست مباحث شغل، فعالیت، سمت در شغل، بیکاری و ابعاد آن، فساد وارداتی، تبهکاریها و ده‌ها مبحث دیگر همزمان مورد بحث قرار گیرند. بررسی حاضر نشان می‌دهد که ابعاد بیکاری در کشور گسترده‌تر از آن چیزی است که رسماً اعلام میشود، عامل جمعیت در عرضه بیشتر نیروی انسانی تاثیر مثبت داشته است در حالیکه عامل میزان فعالیت به جز در دهه ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵ با تاثیر منفی موجب کاهش جمعیت فعال کشور شده است. آموزش به عنوان پل بین آموزشگاه و کارگاه، خود با مسائل عدیده‌ای روبرو است که از اهم آنها عدم توازن بین عرضه محصولات آموزشی (فارغ التحصیلان) و تقاضای آن است. همچنین کیفیت آموزش با واقعیت‌های کاری افراد متفاوت است که موجب وارد شدن ضرر و زیان بزرگی به اقتصاد کشور می‌گردد. همچنین این بررسی نشان می‌دهد که بر خلاف روند توسعه در نقاط دیگر کارگاه‌های کوچک و متوسط در بعد از پیروزی انقلاب افزایش یافته است.

توصیه‌ها: توصیه میشود که در جهت پذیرش تاثیر واقعی ضوابط و اجتناب از تاثیر

مخرب روابط گامهای جدی‌تر برداشته شود.

- در مقابله با مفاسد به کارهای سمبلیک اکتفا نشود.

- هدایت آموزش و کاهش فاصله بین آموزش اشتغال در ایجاد توازن بین عرضه و تقاضای نیروی‌کار موثر است و حتماً باید مورد توجه قرار گیرد.

- برای ایجاد فرصت‌های شغلی تلاش‌های جدی‌تری بعمل آید.

- علیرغم شعارها، بهره‌وری نیروی کار افزایش نیافته است و می‌باید در این زمینه اقدامات جدی‌تری بعمل آید.

واژگان کلیدی: جمعیت، نیروی انسانی، بهره‌وری، تخلفات، مفاسد، انحصارات، میزانهای

خام و خالص فعالیت

پرسش های عمده مطرح در بررسی

نیروی انسانی تنها بخشی از جمعیت هر جامعه را شامل میشود با قبول این واقعیت سئوالات اصلی عبارتند از اینکه چرا و چگونه برخی از مردم وارد بازار کار میشوند در حالیکه عده ای کنار می مانند. گروه سئوالات بعدی مربوط است به عواملی که روی گرایش به اشتغال اثرگذار هستند. آیا این عوامل همزمان با اثربخشی مذکور در اندازه جمعیت هم موثرند و اگر پاسخ مثبت است این اثرگذاری در جهت مثبت است یا منفی. پاسخگوئی به این پرسش ها علاوه بر درک جنبه های متعدد نیازمند آگاهی درست از فرایند جمعیت شناختی است. در حالیکه اغلب کشورهای در حال توسعه، در دریای کارهای انجام نشده در جامعه خود غوطه ور هستند، بدون استثناء در همه آنها ارتشی از نیروی انسانی غیرفعال و منتظر و مترصد فرصت شغلی ملاحظه میشود. از این شگفت انگیزتر اصرار بر اتوماسیون به بهانه مدرنیزه کردن فعالیت ها در همه این جوامع است. زمینه ای که ظاهراً برای رهائی از کمبود نیروی انسانی و یا تقاضای فزاینده افزایش دستمزد در کشورهای صنعتی مورد توجه خاص صاحبان سرمایه است.

مبحث سنجش

صرفنظر از عوامل اقتصادی - اجتماعی، نتایج مطالعات نیروی انسانی تا حدودی به مفاهیم و روش های بکاربرده شده برای اندازه گیری بستگی دارد. در بین این مقوله ها مفهوم نیروی انسانی در این بررسی از جایگاه نخست و اولویت برخوردار است.

در مفهوم گسترده تر، نیروی انسانی بخشی از جمعیت است که در عرضه نیروی کار مشارکت دارد. این گروه شامل کسانی است که عملاً مشغول کار یا آماده اشتغال (و جستجوی فرصت شغلی و کار در چرخه تولید کالاها و خدمات) هستند.

اهداف، چشم انداز

هدف عمده تحقیق همچنانکه ذکر شده بررسی وضعیت اشتغال و روشن کردن اهمیت عوامل موثر در فرایند تحولات نیروی انسانی و اشتغال در کشور و ساختار در حال تحول آنست، آنهم در چارچوب تحولات جمعیتی، توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی کشور طی چند دهه اخیر و معرفی برخی از عوامل بازدارنده توسعه پایدار جامعه است.

مثلاً وضعیت شغلی (از قبیل کارفرما، مزد و حقوق بگیر، کارکن مستقل....) (Status) و موضوعات شغل (Occupation) و فعالیت (Industry) مورد توجه اصلی خواهد بود که بخشی از جنبه ساختاری نیروی انسانی محسوب می شود. تحولات زمانی و جغرافیایی عوامل مذکور و روابط بین آنها و سایر متغیرهای ذیربط مورد بحث قرار خواهد گرفت.

روش بررسی

هدف اصلی از هر پژوهش علمی کشف حقیقت یا حقایق است. و این خود مستلزم شناخت همه یا اهم عوامل و حدود تاثیر آنها با استفاده از تکنیک ها و روش های شناخته شده و حتی ابداعی است. استفاده از روشهای

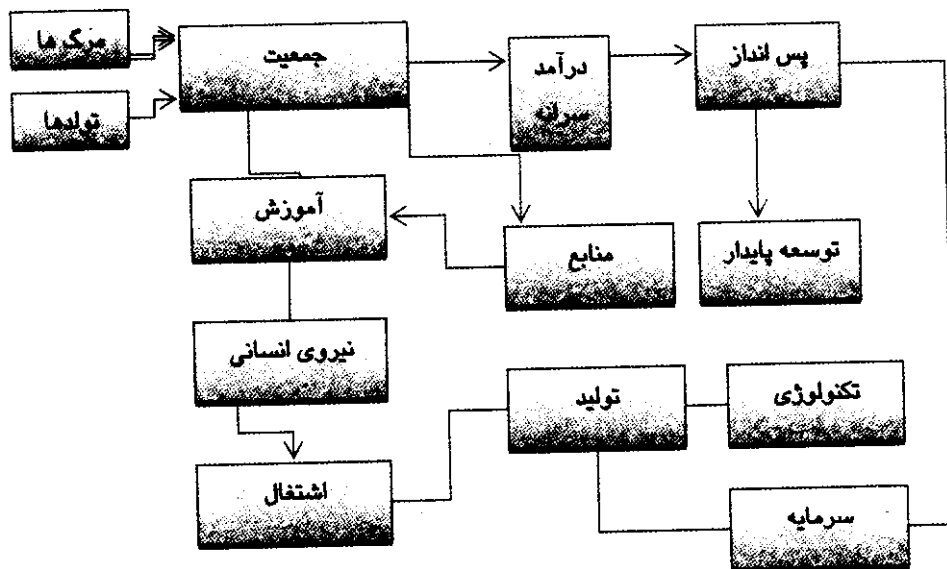
جمعیت شناختی، جامعه شناختی آماری، اقتصاد سنجی، ریاضی... بویژه در مدیریت جامعه، مستلزم استفاده از روش تحقیق علمی و یا به عبارت دیگر به کار بستن متدولوژی در پژوهش است.

برخی از این روش ها به دلیل اهمیت و ضرورتشان، با گذشت زمان، از چنان توسعه و تکاملی بر خوردار شده اند که امروزه عدم کاربرد آن ها در پژوهش ها کمتر مورد انتظار بوده و امری مستبعد است.

بررسی حاضر کوششی اکتشافی مرتبط با موارد زیر است:

- ارائه روش فرآوری اطلاعات خام در زمینه های اشتغال با رعایت جنبه های کاربردی متداول در مجامع بین المللی (Tempo Economic- Demographic Model) (Retrospective method)

Chart 1 Tempo Demographic – Economic Model



- سنجش اهمیت برخی از عوامل ذیربط با تحولات کار و تولید و در نتیجه توسعه کشور.

- مشخص کردن متغیرهای قابل اندازه گیری (رتبه ای) و کار روی آنها.

- جستجو و معرفی ابزارهایی جهت مطالعه متغیرهای (اسمی) و حدود تأثیر آنها.

برنامه عمومی کار برای این پژوهش شامل موارد زیر می باشد:

الف - توسعه دستور العمل های تجربی

ب - توسعه کاربرد سنجه های رفتاری مربوط به متغیرهایی که فرض رتبه ای

بودن آنها معتبر است (با کاربرد تکنیک ها و روش های تحلیل متعارف)

ج - گزینش برخی از واحدها و افراد جهت سنجش و اعتبار بخشیدن به معاییر

د - ارائه روش برخورد با مشکلات کاری مبحث فعالیت و تولید

از مجموعه مباحث ذیربط با اشتغال و توسعه پایدار موارد زیر جهت

بررسی مطمح نظر قرار گرفت:

- شغل و اطلاعات مربوط به شغل: مجموعه ای از داده های گردآوری

شده هم به صورت سری زمانی (ادوار سرشماری و آمارگیریها)، و هم به

صورت برش عرضی (مقطعی) مورد بررسی قرار گرفت. مشاغل به صورت

رده بندی های کلان از آمارهای رسمی کشور اخذ گردید. با توجه به اهمیت

موضوع اشتغال و گستردگی دامنه بیکاری در کشور (از جنبه های مهمی چون

توسعه عدالت اجتماعی، ابعاد سرمایه گذارهای لازم، تخصیص منابع و... ضرورت و اهمیت بحث و بررسی هرچه بیشتر روی این موضوع مستغنی از تأکید است.

انتظار منطقی این است که در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی، انتقال و جابجائی انبوهی در مشاغل اتفاق بیفتد. این جابجائی عموماً به زیان مشاغل سنتی و در جهت مشاغل صنعتی و خدماتی است.

- فعالیت اقتصادی جمعیت: اساس توسعه جوامع، فعالیت اقتصادی مردم آن است. آمار فعالیت های اقتصادی جمعیت در کشور ما نیز مانند سایر جوامع از چند دهه پیش گردآوری و طبقه بندی میشود. این اقدام معمولاً در سرشماری های عمومی و در مواردی در مقاطع سالانه مورد توجه قرار داشته است.

اطلاعات مربوط به فعالیت اقتصادی مردم در دو سطح عمده یعنی الف - سه گروه اصلی: کشاورزی، صنعت و خدمات ب - گروه گسترده تر (کشاورزی، صنعت، معدن، ساختمان، فروش، آموزش، آب، برق، گاز و...) گردآوری و مورد بررسی قرار گرفت.

- سمت در شغل: این خصیصه نیز مانند شغل و فعالیت در رده های عمده که شامل: الف - کارفرما ب - کارکن مستقل ج - مزد و حقوق بگیر د - کارکنان خانوادگی بدون مزد بررسی شد. با عنایت به این که در شرایط توسعه معمولاً از تعداد کارکنان مستقل کاسته شده و به تعداد مزد و حقوق بگیران افزوده میشود، روند تحولات آن در مورد ایران بررسی شد. همچنین در زمینه تحولات بهره وری نیروی کار اجمالاً بررسی و مطالبی ذکر گردید.

- آموزش: مبحث آموزش به دلیل ارتباط موضوعی با شغل و دانش شغلی و اهمیت آن در مقوله توسعه پایدار مورد بررسی مقطعی قرار گرفت. از آنجایی که احتمال اثر گذاری تحولات جمعیتی در زمینه های عمده ای از حیات اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است و با توجه به توسعه اخیر آموزش عالی در کشور و پیامد های آن از جمله مشکلات ایجاد فرصت شغلی برای دانش آموختگان از یک سو و نیاز بازار کار به سطوح قابل قبول آموزشی از سوی دیگر، موضوعات عرضه و تقاضای دانش آموختگان و نیز کیفیت آموزش عالی با استفاده از اطلاعات گردآوری شده بررسی شد.

- مفاسد: موضوع مفاسد اجتماعی و اداری از مباحثی است که از چند سال قبل، نقل محافل و مجالس داخلی و بین المللی بوده و هست. بدنه های مختلف سازمان ملل متحد این عامل را بعنوان یکی از عوامل عمده و موانع اصلی توسعه پایدار قلمداد کرده اند.

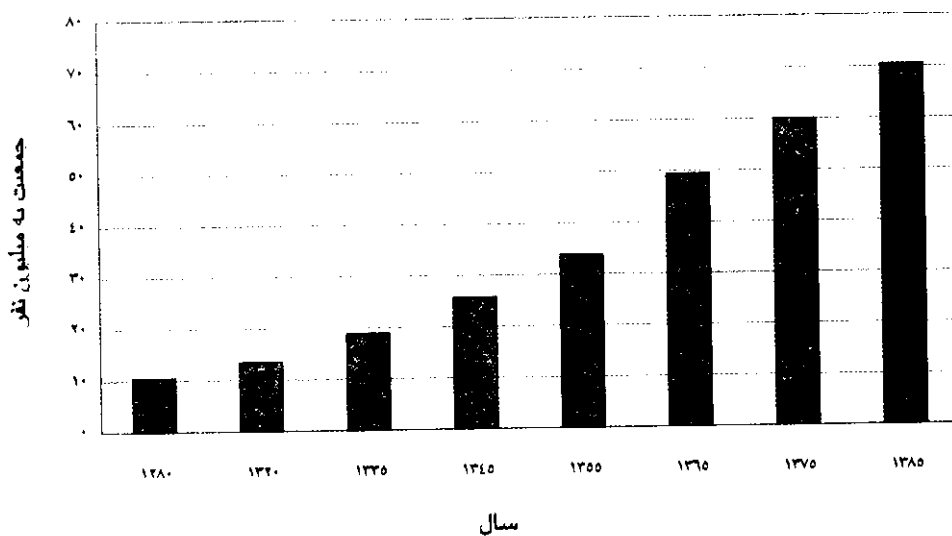
تحولات جمعیت شناختی کشور

تعداد جمعیت کشور و ترکیب آن (در مفاهیم سن و جنس و غیره) دو مولفه عمده مشخص کننده اندازه نیروی انسانی هر جامعه است. واضح است که اندازه جمعیت کل تعیین کننده حدود تغییرات نیروی انسانی است و طبیعتاً نیروی انسانی بومی کشور نمی تواند از تعداد جمعیت بیشتر باشد. ولی ترکیب سنی جمعیت مشخص می کند که اندازه واقعی نیروی انسانی از این بالاترین حد یعنی کل جمعیت تا چه مقدار فاصله دارد. در هر حال جدول و نمودار شماره یک نشاندهنده تغییرات جمعیت از سال ۱۲۸۰ تا سال ۱۳۸۵ است.

جدول شماره ۱: تغییرات جمعیت کشور ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰

مقطع زمانی	جمعیت	واحد	متوسط نرخ رشد
۱۳۸۰	۱۱-۱۰	میلیون نفر	۰/۲ درصد
۱۳۲۰	۱۴-۱۳	میلیون نفر	۰/۶ درصد
۱۳۳۵	۱۸/۹	میلیون نفر	۲/۵ درصد
۱۳۴۵	۲۵/۷	میلیون نفر	۳/۱ درصد
۱۳۵۵	۳۳/۸	میلیون نفر	۲/۷ درصد
۱۳۶۵	۴۹/۴	میلیون نفر	۳/۹ درصد
۱۳۷۵	۶۰/۰	میلیون نفر	۱/۹۵ درصد
۱۳۸۵	۷۰/۴	میلیون نفر	۱/۶۱ درصد

نمودار شماره ۱: تغییرات جمعیت کشور ۱۳۸۰ - ۱۳۸۵



ابعاد نیروی انسانی

- رشد نیروی انسانی

جمعیت فعال کشور در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ با رشد قابل ملاحظه از ۷۸۴۱ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ به ۲۳۴۶۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ بالغ شده است. در واقع طی این مدت تعداد جمعیت فعال کشور سه برابر شده است. طی همین مدت همچنانکه در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۲ نشان داده شده جمعیت شاغل کشور از ۷۱۱۶ هزار نفر به ۲۰۴۷۴ هزار نفر رسیده است. که افزایش آن اندکی کمتر از افزایش جمعیت فعال یعنی ۲۸۷ درصد بوده است.

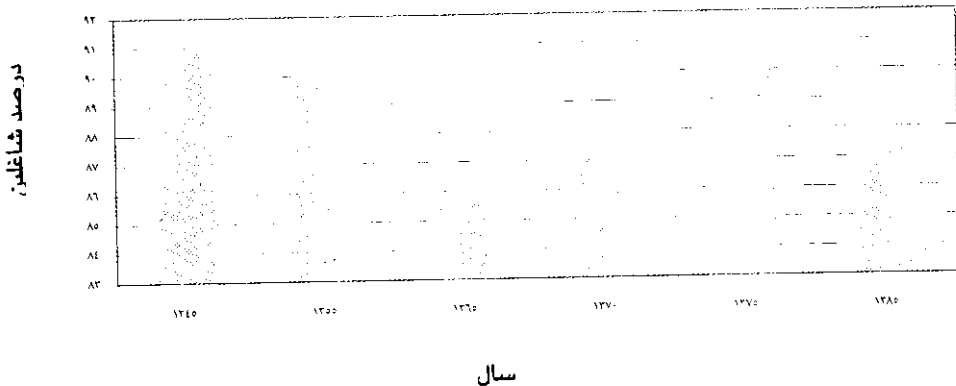
جدول شماره ۲: تحولات جمعیت فعال و جمعیت شاغل کشور در مقاطع زمانی (هزار نفر)

سال	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	درصد شاغلین	تغییر شاغلین (درصد)
۱۳۴۵	۷۸۴۱	۷۱۱۶	۹۰/۸	---
۱۳۵۵	۹۷۹۶	۸۷۹۹	۸۹/۸	۲۳/۷
۱۳۶۵	۱۲۸۲۰	۱۱۰۰۲	۸۵/۸	۲۵/۲
۱۳۷۰	۱۴۷۳۱	۱۳۰۹۱	۸۸/۹	۱۹/۰
۱۳۷۵	۱۶۰۲۷	۱۴۵۷۱	۹۰/۹	۳۲/۴
۱۳۸۵	۲۳۴۶۸	۲۰۴۷۴	۸۷/۲	۴۰/۵

همان طور که ملاحظه می شود در ستون آخر جدول تغییرات ده ساله جمعیت شاغل ارائه شده است. این تغییرات گرچه یکنواخت نبوده ولی سیر صعودی طی کرده است بنحویکه در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ میزان افزایش آن ۲۳/۷ درصد و در فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ معادل ۲۵/۲ درصد بوده در حالیکه در فاصله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به ترتیب با افزایش بیش از ۳۲ درصد

و ۴۰ درصد در تعداد شاغلین روبرو هستیم. افزایش دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ در تاریخ فعالیتهای اقتصادی کشوریک رکورد محسوب میشود.

نمودار شماره ۲: تحولات جمعیت فعال و جمعیت شاغل در مقاطع زمانی



- منابع رشد نیروی انسانی

تغییر در اندازه نیروی انسانی یک جامعه ثمره تأثیر دو عامل عمده است:

الف - تغییر اندازه جمعیت آن جامعه ب - تغییر میزان مشارکت در فعالیت اقتصادی
این گفته بدان معنی است که نسبت درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی به کل جمعیت چقدر تغییر کرده است و همچنین محاسبه اینکه چه مقدار از تغییرات نیروی انسانی از تغییرات جمعیت نشأت گرفته است و چه مقدار از آن تحت تأثیر تغییر در نرخ مشارکت در فعالیت اقتصادی است. در جدول شماره ۳ تحولات جمعیت و جمعیت شاغل در برهه های زمانی ارائه شده است.

جدول شماره ۳: تحولات جمعیت و جمعیت شاغل به تفکیک شهر و روستا در فواصل سرشماری ها

(هزار نفر)

جمعیت			جمعیت شاغل			مقطع زمانی سرشماری ها
روستا	شهر	کل	روستا	شهر	کل	
۱۲۹۵۲	۵۹۵۲	۱۸۹۰۵	۴۱۰۰	۱۸۰۷	۵۹۰۸	۱۳۳۵
۱۵۹۹۵	۹۷۹۴	۲۵۷۸۹	۴۵۰۶	۲۶۱۰	۷۱۱۶	۱۳۴۵
۱۷۸۵۴	۱۵۸۵۵	۳۳۷۰۹	۴۶۸۷	۴۱۱۳	۸۷۹۹	۱۳۵۵
۲۲۶۰۰	۲۶۸۴۵	۴۹۴۴۵	۵۰۴۹	۵۹۵۳	۱۱۰۰۲	۱۳۶۵
۲۳۲۳۷	۳۶۸۱۸	۶۰۰۵۵	۵۷۱۱	۸۷۹۹	۱۴۵۷۲	۱۳۷۵
۲۲۲۲۷	۴۸۲۴۵	۷۰۴۷۲	۶۳۸۹	۱۴۰۴۰	۲۰۴۷۴	۱۳۸۵

بررسی ارقام جدول فوق نشان میدهد که جمعیت شهری کشور طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ از ۵/۹ میلیون نفر به ۴۸/۲۴ میلیون نفر بالغ شده است که حاکی از ۸۰۰ درصد افزایش است و این در حالیست که جمعیت کل طی همین دوره از ۱۸/۹ میلیون نفر به ۷۰/۴ میلیون نفر رسیده یعنی ۳۷۲ درصد افزایش داشته است. طی همین مدت جمعیت روستائی از ۱۲/۹ میلیون به ۲۲/۲ میلیون نفر افزایش یافته است که تقریباً ۱۸۰ درصد جمعیت روستائی سال ۱۳۳۵ است. افزایش قابل توجه جمعیت شهری مبین هجوم هر چه بیشتر به سوی شهرنشینی است. طی همین دوره جمعیت شاغل کشور از ۵/۹ میلیون به ۲۰/۴ میلیون افزایش یافته ولی افزایش شاغلان شهری از ۱/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۴ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ بالغ گردیده است. در حالیکه شاغلان مناطق روستائی تنها از ۴/۱ میلیون به ۶/۴ میلیون تغییر یافته است. تفاوت بارز

شهر و روستا مبین تفاوت عمیق بین جامعه شهری و جامعه روستایی در زمینه های مختلف از جمله توسعه اشتغال است.

جدول شماره ۴: نرخ های رشد جمعیت و اشتغال در فواصل سرشماریها بر حسب شهر و روستا

روستا	شهر	کل	نرخ	دوره
۱/۸۲	۵/۱۰	۲/۱۳	جمعیت	۱۳۳۵-۱۳۴۵
۰/۹۵	۳/۷۴	۱/۸۸	اشتغال	
۱/۵۷	۴/۹۳	۲/۷۱	جمعیت	۱۳۴۵-۱۳۵۵
۰/۴۰	۴/۶۵	۲/۱۵	اشتغال	
۳/۷۷	۵/۴۱	۲/۹۱	جمعیت	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۱/۷۵	۳/۷۷	۲/۲۶	اشتغال	
۰/۳۷	۳/۲۰	۱/۹۰	جمعیت	۱۳۶۵-۱۳۷۵
۱/۲۳	۲/۹۶	۲/۸۵	اشتغال	
-۰/۰۰۴	۲/۷	۱/۶۱	جمعیت	۱۳۷۵-۱۳۸۵
۱/۱	۴/۸	۳/۴۶	اشتغال	

مرور اطلاعات جدول نشان میدهد که:

- در کل دوره مورد بررسی نرخ رشد جمعیت مثبت ولی با نوسان توأم بوده است.

- در دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ نرخ اشتغال همواره کمتر از نرخ رشد جمعیت بوده است. ولی در ۲۰ ساله اخیر (۱۳۶۵-۱۳۸۵) نرخ اشتغال از نرخ رشد جمعیت پیشی گرفته است. تفاوت بین نرخهای اشتغال و جمعیت در دهساله اخیر کاملاً جلب توجه میکند. به عبارت دیگر در دوره اول فرصت های شغلی ایجاد شده متناسب با رشد جمعیت نبوده ولی در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ نرخ رشد اشتغال از نرخ رشد جمعیت جلوتر بوده است.

- در تمام دوره تغییرات نرخ اشتغال مناطق روستائی کمتر از مناطق شهری بوده است. این بدان معنی است که اغلب فرصت های شغلی در مناطق شهری ایجاد شده است.

- تغییرات نرخ اشتغال حاکی از سیر صعودی است و در تمام دوره نرخ اشتغال از افزایش تدریجی برخوردار می باشد.

- روندها و الگوهای مشارکت در فعالیت اقتصادی کشور^۱

- نرخ های خام و خالص فعالیت

نرخ خام فعالیت: نرخ خام فعالیت به صورت درصدی از جمعیت کل است که در فعالیت های اقتصادی مشارکت دارند به این شاخص میزان مشارکت در نیروی انسانی و نرخ کارگر^۲ نیز گفته میشود^۳.

در سال ۱۳۷۵ نرخ خام فعالیت در کشور ۲۶/۶ درصد بوده که در رده نرخ های پائین قرار می گیرد و ملاحظه میشود که تنها حدود یک چهارم جمعیت کشور آنهم غالباً صوری در فعالیت اقتصادی مشارکت داشته اند.

از نظر تفاوت بین زن و مرد در میزان فعالیت و اشتغال، همه آمارگیرها موید این واقعیت است که میزان مشارکت زنان در فعالیت اقتصادی بسیار کمتر از مردان است. بعنوان مثال در سال ۱۳۷۵ برطبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال مذکور، در قبال اشتغال ۱۲/۸ میلیون مرد تنها اشتغال ۱/۸

1- Levels and Patterns

2- Worker Rate

3- The Egyptian Labor Force University of Pennsylvania (Worker Rate) p 45 Abdel-Fattah Nassef

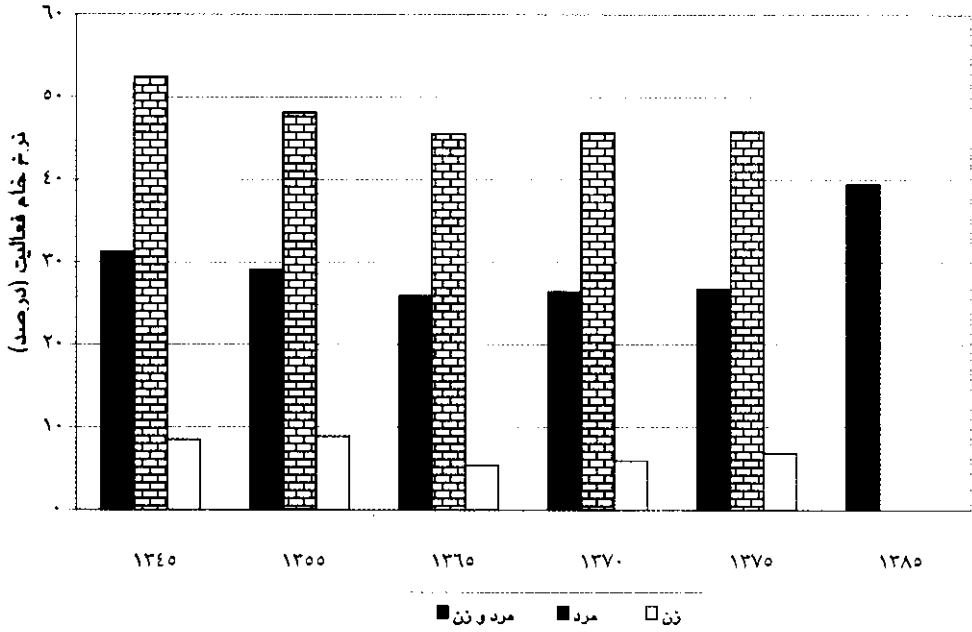
میلیون زن گزارش شده است که حدود ۱۳/۸ درصد مردان و ۱۲/۱ درصد کل جمعیت شاغل را تشکیل میداده است. اگر توجه کنیم که اکثر کشورهای دارای منابع طبیعی، از نظر اشتغال و تولید دچار وضعیت مشابه هستند می توان به اهمیت پائین بودن میزان فعالیت اقتصادی و ابعاد زیان های وارده از این حیث به اقتصاد کشور پی برد. توجه بیشتر به این وضعیت نتایج آموزنده ای در برخواهد داشت.

نرخ خام فعالیت طی چند دهه اخیر تغییر یافته و شاهد نوسان بوده است در بخش اعظم دوره، نرخ خام فعالیت شاهد سیر نزولی بوده ولی در مقطع ۱۳۸۵ شاهد تغییر نرخ خام فعالیت و به عبارت دیگر شاهد افزایش آن بوده ایم.

جدول شماره ۵: جمعیت و جمعیت فعال و نرخ خام فعالیت بر حسب سال و جنس

سال	جمعیت کل			جمعیت فعال			نرخ خام فعالیت		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۲	۱۲۹۸۱۶۶۵	۱۲۰۹۷۲۵۸	۷۸۴۱۰۰۰	۶۸۰۸۰۰۰	۱۰۲۳۰۰۰	۳۱/۳	۵۲/۴	۸/۵
۱۳۵۵	۲۳۷۰۸۷۴۴	۱۱۳۵۶۳۴۷	۱۱۳۵۲۳۹۷	۹۷۹۶۰۵۶	۱۳۴۷۰۵۰	۱۴۴۹۰۰۶	۲۹/۱	۴۸/۱	۸/۹
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۵۲۸۰۹۶۱	۲۴۱۶۴۰۴۹	۱۲۸۲۰۰۰۰	۱۱۵۱۲	۱۳۰۷	۲۵/۹	۴۵/۵	۵/۴
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۲۸۷۱۸۴۵۰	۲۷۰۶۸۷۱۲	۱۴۷۳۷۰۰۰	۱۳۱۰۷۰۰۰	۱۶۳۰۰۰۰	۲۶/۴	۴۵/۶	۶/۰
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۳۰۵۱۵۱۵۹	۲۹۵۴۰۳۲۹	۱۶۰۲۷۲۲۳	۱۳۹۹۰۲۵۹	۲۰۳۶۹۶۷	۲۶/۷	۴۵/۸	۶/۸
۱۳۸۵	۷۰۴۷۲۸۴۶	۳۵۸۵۴۸۱۸	۳۴۶۱۸۰۲۸	۲۳۴۶۸۰۰۰	-	-	۳۹/۴۴	-	-

نمودار شماره ۳: نرخ فعالیت اقتصادی بر حسب جنس و سال



- نرخ های خالص فعالیت

نرخ خالص فعالیت به صورت درصد جمعیت فعال به جمعیت در سن کار تعریف میشود.

$$R.A.R = ۱۰۰ \times \text{جمعیت فعال} \div \text{جمعیت در سن کار}$$

با مراجعه به جدول شماره ۶ ملاحظه میشود که اولاً تفاوت قابل ملاحظه

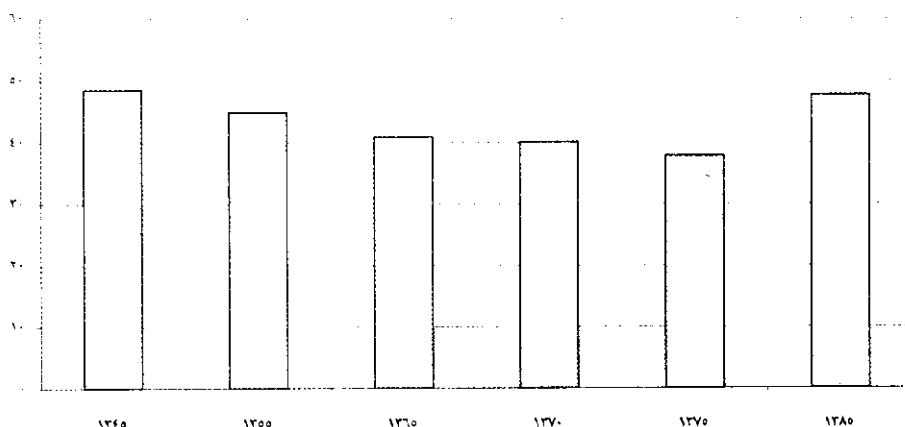
ای بین نرخ های فعالیت مرد و زن در کشور وجود دارد ثانیاً نرخ خالص فعالیت

مردان کشور از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ در حال کاهش بوده است.

جدول شماره ۶: جمعیت و جمعیت فعال و نرخ خالص فعالیت بر حسب سال و جنس

سال	جمعیت ده تا ۶۴ ساله			جمعیت فعال			نرخ خالص فعالیت		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۴۵	۱۶۱۸۰۰۸۰			۷۸۴۱۰۰۰	۶۸۰۸۰۰۰	۱۰۳۳۰۰۰	۴۸,۵		
۱۳۵۵	۲۱۸۲۴۰۲۹	۱۶۰۷۳۵۰۲	۱۵۲۹۹۰۷۳	۹۷۹۶۰۵۶	۱۳۲۷۰۵۰	۱۴۴۹۰۰۶	۴۴,۹		
۱۳۶۵	۳۱۲۴۸۸۲۲			۱۲۸۲۰۰۰۰	۱۱۵۱۲۰۰۰	۱۳۰۷۰۰۰	۴۰,۹	۷۱,۶	۸,۵
۱۳۷۰	۳۷۱۱۸۶۲	۲۱۱۴۴۴۳۸	۲۱۱۷۱۰۰۰	۱۴۷۳۷۰۰۰	۱۳۱۰۷۰۰۰	۱۶۳۰۰۰۰	۴۰,۱		
۱۳۷۵	۴۲۳۸۲۰۸۲			۱۶۰۲۷۲۲۳	۱۳۹۹۰۲۵۹	۲۰۳۶۹۶۷	۳۷,۸	۶۴,۶	۹,۶
۱۳۸۵	۴۹۱۴۸۰۰۰			۲۳۴۶۸۰۰۰			۴۷,۷		

نمودار شماره ۴: نرخ های فعالیت اقتصادی بر حسب مقاطع زمانی



و از ۷۱/۶ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۶۴/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ افت کرده است، ولی در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ این وضعیت بهبود یافته است. همچنین ملاحظه

میشود که نرخ خالص فعالیت دو جنس از $48/5$ درصد در سال 1345 به $37/8$ درصد در سال 1375 افت کرده است که حاکی از 24 درصد افت در نرخ خالص فعالیت جامعه است و سپس با افزایش قابل توجه به $47/7$ درصد در سال 1385 بالغ گردیده که مبین افزایش قابل ملاحظه در این دوره است.

در مورد تحولات نرخ های خام و خالص فعالیت زنان می توان گفت که این تفاوتها نمی توانند وضعیت اشتغال زنان را بدرستی منعکس نمایند. در عین حال می توان شواهدی از تاثیرات عوامل اقتصادی اجتماعی را برای هر دو جنس ارزیابی کرد. مثلاً افت نرخ های خام و خالص فعالیت زنان در سال 1365 نسبت به سال 1355 بدون تردید از وضعیت اجتماعی حاکم بر جامعه متأثر بوده است. هرچند که پائین بودن میزان اشتغال و فعالیت زنان موجب سرپوش گذاشتن روی وضعیت اشتغال آنان گشته است ولی کاهش نرخ خام فعالیت زنان از $8/9$ درصد در سال 1345 به $5/4$ درصد در سال 1365 خود مبین افتی معادل 40 درصد در میزان اشتغال آنان است. کاهش نرخ خالص فعالیت مردان علاوه بر تاثیرعامل توسعه آموزش، مویید عدم تناسب فرصت های شغلی ایجاد شده در کشور با نرخ رشد جمعیت و نیاز به فرصت شغلی از سوی جویندگان کار جوان و کسانی است که به تازگی وارد بازار کار میشوند.

تغییر ساختار جمعیت و محدود شدن دامنه هرم سنی جمعیت را می توان یکی از عوامل موثر در افزایش صوری نرخ خام فعالیت در سالهای 1370 ، 1375 و 1385 دانست.

- سطوح و روندهای اشتغال برحسب سن و جنس

مشارکت در فعالیتهای اقتصادی در بین گروه های سنی و جنسی از توزیع یکسان برخوردار نیست. در واقع نسبت درصد جمعیت فعال مرد در هر سن مفروض، یعنی نرخ فعالیت ویژه سن، از حدود صفر در برخی از گروه های سنی تا نزدیک صد درصد در برخی دیگر در تغییر است.

در نمودارهای ۳ و ۴ مشارکت در فعالیت اقتصادی در سال های مختلف ارائه شده است. این نمودارها نشان میدهند که اشتغال در حیطة و سلطه مردان است و این وضعیت در سنین بالای ۳۰ سالگی بارزتر است. همچنین این نمودارها همبستگی بین ساختار سنی جمعیت مردان و جمعیت فعال مرد را بیان می کنند. این یافته از آن واقعیت نشأت گرفته که تقریباً همه مردان بالغ در نیروی کاری مشارکت دارند. الگوهای اشتغال سنواتی در مجموع مشابهتهایی را با هم نشان میدهند. برای مردان اشتغال در سنین آغازین فعالیت پائین است. ولی میزان مشارکت در فعالیت اقتصادی با افزایش سن به سرعت افزوده شده تا جائیکه به بالاترین سطح و درصد فعالیت برسد، سپس نخست بتدریج از میزان مشارکت کاسته میشود تا در سنین سالخوردگی که به سرعت افت می کند.

وضعیت کم و بیش مشابهی در مورد نرخ فعالیت زنان مصداق دارد، با این تفاوت که نرخ مشارکت ویژه سن در فعالیت اقتصادی برای زنان در سن ۲۹-۲۵ سالگی به بیشترین مقدار خود که حدود ۲۰/۵۹ درصد است بالغ میشود و پس از آن افت میزان مشارکت آغاز میشود.

نکته قابل توجهی که در مورد اشتغال زنان قابل ذکر است پائین بودن میزان اشتغال زنان در مقایسه با کشورهای دیگر بویژه جوامع صنعتی است. درواقع

میزان های مشارکت و اشتغال در کشورهای مذکور از چند برابر میزان اشتغال زنان ایرانی هم بالاتر است.

- عوامل موثر بر ابعاد نیروی انسانی

صاحب نظران به درستی اعلام کرده اند «هدف از تحلیل آمارهای حاصل از نتایج سرشماری در مورد وضعیت اشتغال و فعالیت اقتصادی می تواند به بخش های: اندازه، ترکیب و رشد نیروی انسانی محدود شود. کلاً، آگاهی از عوامل موثر بر ابعاد نیروی انسانی (که در مشخص نمودن این ابعاد موثر است) حائز اهمیت خاص است. این عوامل بویژه در پیش بینی نیروی انسانی کاربرد دارند. باید توجه داشت که این نوع پیش بینی ها از جایگاه خاصی در چشم انداز برنامه ریزی برای توسعه پایدار برخوردار هستند».

عوامل موثر بر ابعاد نیروی انسانی به سه دسته تفکیک شده اند که عبارتند از عوامل جمعیتی، عوامل اقتصادی و سایر عوامل. روابط بین این عوامل و نیروی انسانی از جنبه نظری و هم جنبه تجربی مورد بحث قرار می گیرد.

- عوامل جمعیتی

به درستی که در بلندمدت مهمترین عوامل موثر بر نیروی انسانی عواملی هستند که با اندازه و ساختار جمعیت مرتبط باشند. در بخش قبلی ملاحظه شد که تاثیر رشد جمعیت بر نیروی انسانی ایران تاثیر سایر عوامل را در فاصله ۱۳۸۰ تا ۱۳۴۵ تحت الشعاع قرار داده است. در هر حال عوامل جمعیتی دیگری هم هستند که نمی توان تاثیر آنها را روی نیروی انسانی نادیده نگاشت.

- عوامل اقتصادی

صرفنظر از آنچه که کارکنان حاشیه ای (Marginal Worker) نامیده میشود سهم جمعیت فعال جز در دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ رو به کاهش بوده است. میدانیم که کارکنان حاشیه ای از شرایط اقتصادی متأثراند. عواملی چون سطح معیشت، درآمد خانوار، حجم و ترکیب فرصت های شغلی و نژاد این ها در این گروه موثرند. می توان دیدگاه تئوریک در مورد نیروی انسانی ایران را بصورت زیر خلاصه نمود:

باید توجه داشت که طرق اثرگذاری عوامل اقتصادی روی ابعاد نیروی انسانی ایران از مواردی است که جای بحث فراوان دارد. مخصوصاً بعد اقتصادی موضوع مستلزم کار بسیار جدی است و نمیتوان به سهولت دیدگاه مورد تایید جمعی (از دید اقتصاد دانان) برای آن جستجو کرد. در مورد رابطه بین تغییر در دستمزد واقعی و عرضه نیروی کار، برخی صاحب نظران اقتصادی معتقدند که افزایش دستمزد واقعی موجب جذب نیروی کار خواهد شد. علاوه بر این افراد شاغل را ترغیب به فعالیت و حضور بیشتر در بازار کار خواهد کرد.

نقطه مقابل مربوط به اقتصاد دانانی است که بر اساس نظریه اقتصادی دیگر معتقدند، رابطه بین افزایش دستمزد واقعی و عرضه نیروی انسانی به صورت منفی با افزایش دستمزد همبسته است. این نظریه با این استدلال پشتیبانی میشود که : در زمان افزایش دستمزد، خانواده میتواند سطح زندگی مورد انتظار خود را تامین کند بدون اینکه نیازمند اشتغال سایر اعضاء خانواده باشد. در نتیجه کودکان بیشتری در آموزش حضور خواهند داشت، زنان و سالمندان هم بازار کار را ترک خواهند کرد.

مفهوم «کارگر اضافی» با این نظریه اخیر مطابقت دارد. بر طبق این نظریه، افرادی که معمولاً سربار یا افراد وابسته محسوب می شوند در شرایط دشوار اقتصادی، ناگزیر به دنبال فرصت شغلی و کمک به تامین هزینه خانوار خواهند بود.^۱

در حالیکه بین این دو نظریه تناقض اساسی ملاحظه می شود هر یک از آنها از مبانی منطقی خاص خود برخوردارند.

- عوامل ساختاری موثر بر فعالیت

از آنجائیکه نرخ های مشارکت در فعالیتهای درآمدزا بین دو جنس و گروه های سنی متفاوت است ساختار سنی و جنسی جمعیت از عوامل موثر و مهم در تعیین تغییرات نرخ خام فعالیت محسوب میشود. در شرایط ثبات سایر عوامل، اگر نسبت جنسی بالاتر باشد، مترادف بالاتر بودن تعداد کسانی است که در فعالیت اقتصادی مشارکت دارند که بمعنی بالاتر رفتن نرخ خام فعالیت است. در جدول شماره ۷ تغییرات نرخ خام فعالیت ارائه شده است.

جدول شماره ۷: تغییرات نرخ خام فعالیت کشور در فاصله آمار گیری ها

دوره	جمع	مرد	زن
1345-1355	-۱,۸	-۴,۳	۰,۴
1355-1365	-۳,۲	-۲,۶	-۳,۵
1365-1370	۰,۵	۰,۱	۰,۶
1370-1375	۰,۳	۰,۲	۰,۹
1375-1385	۱۲,۷۴		

ملاحظه میشود که تغییرات نرخ اشتغال در دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ منفی است ولی از سال ۱۳۶۵ بهبود جزئی در نرخ ها گزارش شده است.

1 - The Egyption labor force: Its dimensions and changing structure, 1907-1960. By Abdel - Fattah Nassef, Population studies centre, university of pensylvania- 1970.

با مراجعه به جدول شماره ۸ ملاحظه میشود که تأثیر عوامل جمعیت در کلیه ادوار یاد شده برای دو جنس و همچنین برای مردان و زنان مثبت بوده است.

جدول شماره ۸: تأثیر عوامل جمعیتی و میزان اشتغال در مقاطع آمارگیری

دوره	تأثیر عامل جمعیت (درصد)	تأثیر عامل میزان اشتغال
۱۳۶۵ - ۱۳۷۰	۱/۰۴	- ۰/۶۱
۱۳۷۰ - ۱۳۷۵	۲/۳۵	- ۲/۳
۱۳۷۵ - ۱۳۸۰	۲/۹	۱/۶
۱۳۷۵ - ۱۳۸۵	۴/۶	۱/۳

در مقابل تأثیر تغییر ساختار سنی، با مراجعه به ارقام فوق ملاحظه می شود که تأثیر میزان اشتغال و فعالیت با نوسان همراه بوده است در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ تأثیر عامل میزان اشتغال منفی است. این وضعیت در دوره ۷۵ - ۱۳۷۰ تشدید شده است و آثار منفی کاهش میزان اشتغال افزایش یافته است ولی در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ بهبود در نرخ اشتغال ایجاد شده است. در دوره ۱۰ ساله ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ شاهد بهبود نسبی وضعیت اشتغال هستیم.

- موانع عمده ایجاد فرصت شغلی

آیا ایران خواهد توانست به مشکل مرتباً تجدید شونده و فزاینده کمبود فرصت شغلی فائق آید و آیا این موقعیت میتواند بدون گذاشتن تأثیر منفی روی درآمد کارکنان و ایجاد امنیت شغلی برای آنها انجام شود.

نخستین مانع مربوط است به پتانسل اقتصادی و مالی جامعه. آیا اقتصاد کشور از ظرفیت کافی برای پایداری و حمایت از اشتغال بالا برخوردار است و میتواند

سرمایه لازم را در اختیار بازار کار قرار دهد؟ عامل دوم مربوط به قابلیت ایجاد فرصت شغلی در کشور به نحویکه ضمن پاسخگویی به نیازهای فزاینده جویندگان کار، زمینه فعال کردن نیروی کار بالقوه را فراهم سازد. یعنی علاوه بر ایجاد سالانه یک میلیون و هشتصد هزار فرصت شغلی برای جویندگان جدید کار پاسخگویی بیش از دو میلیون بیکار قبلی نیز باشد. عوامل عمده دیگر مربوط است به عوامل بازدارنده توسعه فعالیت ها از قبیل: مفاسد، انحصارات، قدرت طلبی، موضوع دانش شغلی و تفاوت بین آموزش های داده شده و آموزش های مورد نیاز جهت پاسخگویی به نیازهای بازار کار و غیره

عامل موثر دیگر مربوط است به اتخاذ سیاست های منسجم اشتغال زائی به نحوی که این سیاست ها بتوانند در ایجاد موازنه بین اهداف توسعه، نیاز به فرصت شغلی، و آموزش ارتباط منطقی برقرار نمایند و بدون تحت الشعاع قرار دادن یکی، تحقق توسعه دیگری امکان پذیر باشد.

و بالاخره چگونگی جایگزینی «ضابطه» با «اعمال رابطه» در موضوع اشتغال و کاستن از تاثیر عوامل بعدی رابطه در ایجاد اختلال، اشاعه مفاسد و نظائر اینها.

- پایداری توسعه

تعاریف متعددی از توسعه پایدار توسط صاحب نظران بین المللی داده

شده است که ذیلاً به یکی از آنها اشاره می شود:

توسعه پایدار آن گونه توسعه اقتصادی است که عدالت و امکانات زندگی را برای تمام مردم جهان و تمامی نسلها و بدون تخریب ظرفیت منابع طبیعی محدود جهان به همراه داشته باشد.^۱

دکتر کوئل کوهن نوشته است (تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی توده وسیع و فزاینده فقرا در کشورهای روبه رشد و عدم کفایت منافی که قطره قطره در اختیارشان قرار می گرفت باعث شد تا تلاشهای گسترده تری برای بهبود توزیع درآمد به عمل آید). بدین ترتیب، الگوی توسعه، بسوی توسعه برابر گرایش یافت و اهداف اجتماعی به گونه ای متمایز اما با همان اهمیت کارائی اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. این موارد در نمودارهای شماره ۵ و ۶ نشان داده شده است.

نمودار شماره ۵

اهداف اقتصادی :

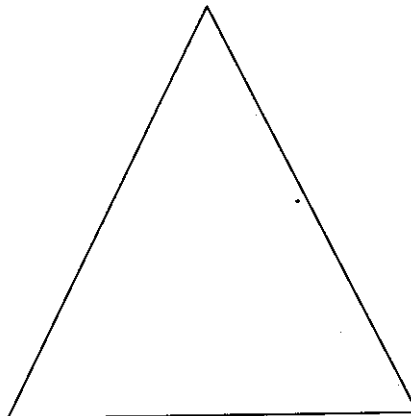
- رشد
- عدالت
- کارایی

اهداف اجتماعی :

- توانمندسازی
- مشارکت
- تحرک اجتماعی
- هویت فرهنگی
- توسعه نهادی

اهداف اکولوژیکی :

- یکپارچگی اکوسیستم
- ظرفیت تحمل
- تنوع زیستی
- مسایل سیاره‌ای



۱- نقش مدیریت تکنولوژی در توسعه پایدار دکتر غلامرضا طالقانی، دکتر رضا رسولی ص ۸

نمودار شماره ۶

اهداف اقتصادی :

- رشد

- کارایی

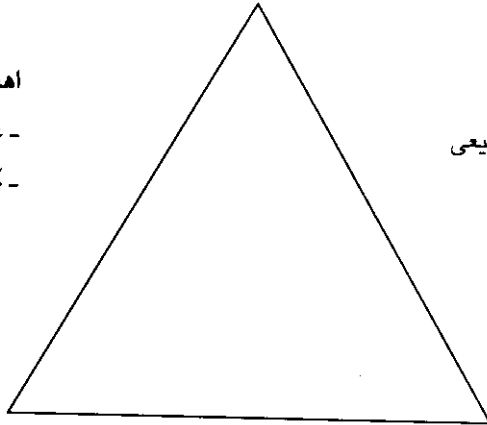
اهداف اجتماعی :

- عدالت

- کاهش فقر

اهداف اکولوژیکی :

- مدیریت منابع طبیعی



تلاش های اخیر در سنجش و ارزیابی «هزینه- فایده» پروژه های توسعه بر مبنای سطح درآمد بهره مندان، متمرکز شده تا از این طریق تصمیمات اقتصادی بطور مستقیم، با اصل «برابری اجتماعی» ارتباط یابند. بهرحال عدم کسب موفقیت از طریق این نگرشها به یک روش «علمی» جدید منجر شد که بر پایه آن اگرچه اهداف اجتماعی و اقتصادی از یکدیگر تفکیک شدند اما از طریق به کارگیری تولید کارآتر و ترکیب شده با ابتکاراتی به منظور فقرزدایی مانند (ایجاد اشتغال، یارانه های مستقیم و...) این اهداف با یکدیگر سازگار و تلفیق شدند تا به این ترتیب از گروه های کم درآمد حمایت به عمل آید.

عوامل باز دارنده

طی بیست سال گذشته شناخت بیشتری در مورد مطابقت مدل توسعه جاری با توسعه پایدار بعمل آمده است. به عبارت دیگر ما در شرایطی زندگی می کنیم که ورای امکانات واقعی، است. از دست رفتن تنوع زیستی، کاهش

جنگل ها، ماهیگیری بیش از ظرفیت تا تأثیر منفی الگوی مصرف فعلی جامعه روی محیط زیست و آب و هوا و غیره. رویه زندگی ما محدودیت فزاینده ای روی زمین تحمیل می کند. این رویه قابل دوام نیست. ^۱ فشار فزاینده ای که روی منابع و بویژه منابع تجدید ناپذیر و نظام های زیست محیطی وارد می شود از جمله فشار روی منابع آب، خاک و هوا نمی تواند با روال فعلی تداوم یابد. بویژه اینکه جمعیت کره زمین نیز به افزایش خود ادامه میدهد و پیشاپیش شاهد جهانی هستیم که در آن بیش از یک میلیارد نفر با روزانه کمتر از یک دلار زندگی می کنند، بیش از ۸۰۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه هستند و بیش از ۲/۵ میلیارد نفر از کمبود امکانات کافی رنج می برند. در سطح جهانی ما حتی قادر به تأمین نیازهای نسل حاضر هم نیستیم تا چه رسد به لحاظ نمودن نیازهای نسل های آینده.

مادامیکه پیشرفت واقعی در راستای حذف این تعارضات آغاز نشده باشد همه ما، هر کجا که زندگی می کنیم با آینده ای روبرو خواهیم شد که کمتر از اطمینان برخوردار است و کمتر از تأمین مناسب برخوردار است. حتی امکان دست یابی به حدود معینی که طی ۵۰ سال گذشته غربی ها (مثلاً انگلیسیها) ^۲ از

1- Sustainable development. The Government approach delivering us sustainable development

together

۲- برنامه توسعه پایدار انگلستان دارای چهار اولویت برای اقدام فوری است که عبارتند از :

- تغییرات آب و هوایی و انرژی
- حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست
- ایجاد اجتماعات پایدار و قابل دوام
- توسعه و مصرف پایدار

آن برخوردار بوده اند، میسر نخواهد شد. بنابراین باید مصممانه در مسیر توسعه پایدار حرکت کنیم. زیرا که اولاً این اقدامی درست است و ثانیاً این اقدام کاملاً در جهت منافع بلند مدت ما قرار دارد و بنابراین امید ایجاد امنیت و تأمین آینده را پیش روی ما قرار میدهد.

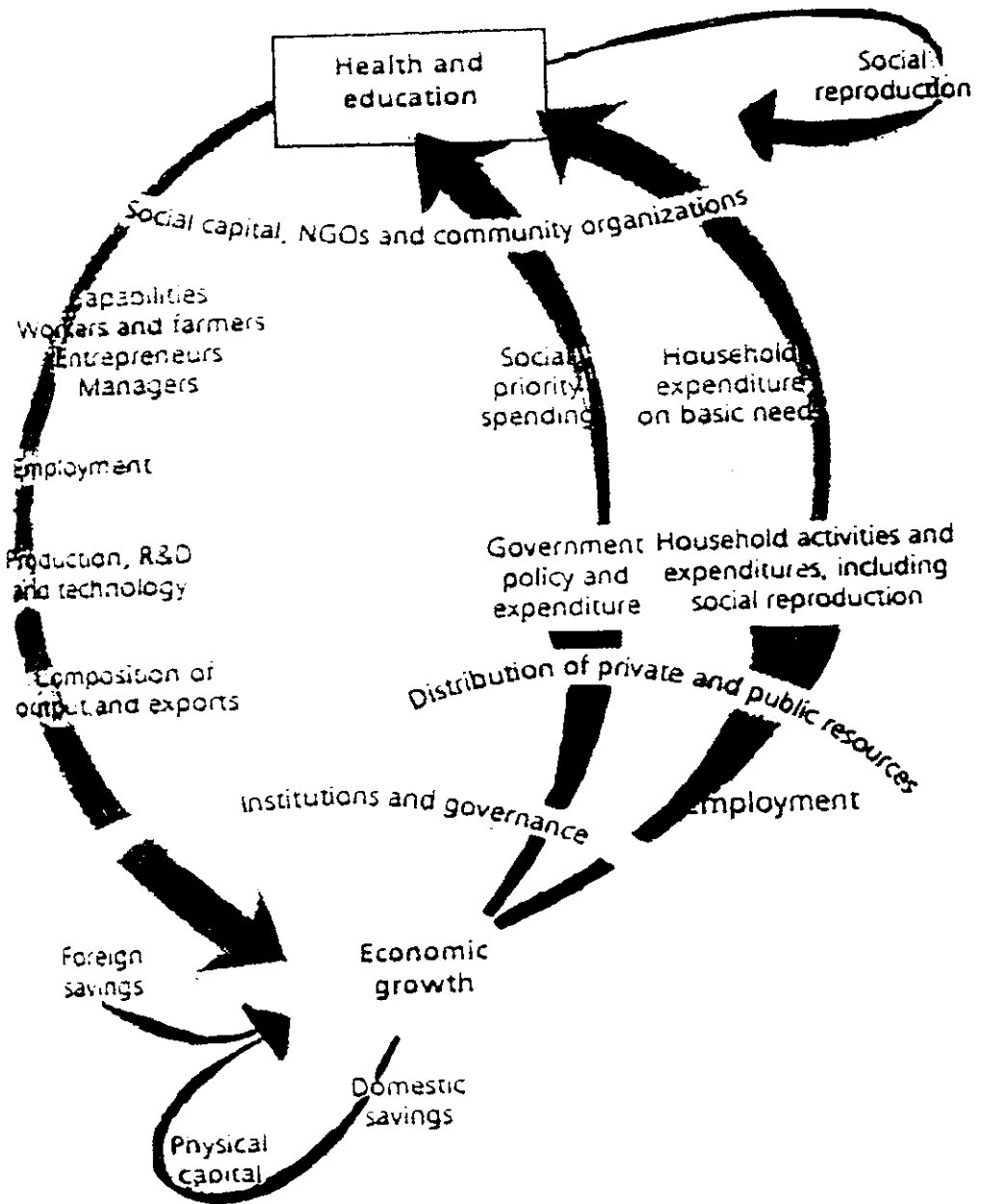
به عنوان موانع عمده توسعه اجتماعی اجمالاً چند عامل عمده مورد بحث قرار خواهد گرفت.

- آموزش و توسعه پایدار

آموزش بعنوان ضرورت توسعه منابع انسانی و ابزار پیشرفت اجتماعی شناخته شده است. حق آموزش در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) مورد تأکید قرار گرفته است. مشخص شده است که آموزش با طیف گسترده ای از رفتارهای جمعیت شناختی و جامعه شناختی مرتبط است^۱. آموزش در توسعه جامعه نقش محوری داشته و زمینه کسب دانش شغلی و ارتقاء سطح تکنولوژی می گردد. در عین حال آموزش از عواملی چون اقتصاد، جمعیت، زیرساختها و... متاثر است. نمودار شماره ۷ که از منابع سازمان ملل متحد نسخه برداری شده است نشان دهنده دیدگاه این سازمان در مورد جایگاه آموزش در توسعه پایدار است.

۱- جمعیت، آموزش و توسعه - سازمان ملل متحد - ترجمه حسین ضرغامی ص ۱

From human development to growth—and back



کمیت و کیفیت دو مقوله مهم در هر زمینه ای محسوب می شوند. این دو عامل روی یکدیگر اثر متقابل دارند. انسان بطور فطری برای بهبود حیات اجتماعی خود در کوشش مداوم است و سعی دارد کم و کیف مطلوب را برای شرایط زیست خود فراهم نماید و از توانمندیها و استعدادهای خود حداکثر بهره برداری را بعمل آورد. تردیدی نیست که کمال جویی از خصیصه های بارز انسانی است و هر کسی بر حسب میزان آگاهی، شعور، امکانات و نیازها راه رسیدن به آن را انتخاب می کند. می توان موضوع تخصیص منابع را در موارد زیر خارج از تخصیص بهینه دانست.

الف - عدم تخصیص منابع کافی برای تربیت نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه

ب - تخصص خارج از نیاز برای آموزش

در مورد اول بدیهی است که اگر منابع برای تربیت نیروی انسانی کافی نباشد جامعه نخواهد توانست انسان کیفی مورد نیاز توسعه را آموزش دهد، پس روند توسعه پایدار دچار اخلاص می شود.

در مورد دوم دو مقوله قابل بحث است :

۱- بحث کمیت یا تعداد محصولات آموزشی (فارغ التحصیلان)

۲- کیفیت آموزشهای ارائه شده برای تربیت این افراد.

ذیلاً به بررسی اجمالی هر دو موضوع می پردازیم:

در مقوله کمیت برای آگاهی از ابعاد افراد تحت تعلیم در آموزش عالی، تعداد پذیرفته شدگان دانشگاههای مختلف در جدول شماره ۹ ارائه شده است: در بررسی اطلاعات جدول مذکور ملاحظه می شود جمع تعداد پذیرفته شدگان

سال ۱۳۸۳ کل کشور در نظام آموزش عالی اعم از دولتی، وابسته و غیر دولتی به ۱,۵۹۰,۶۰۰ نفر بالغ شده. توزیع درصد پذیرفته شدگان به ترتیب زیر بوده است. کاردانی. ۳۹٪ - کارشناسی ۵۶/۴٪، کارشناسی ارشد ۳/۸٪، دکتری عمومی ۰/۵٪، دکتری تخصصی ۰/۴ درصد.

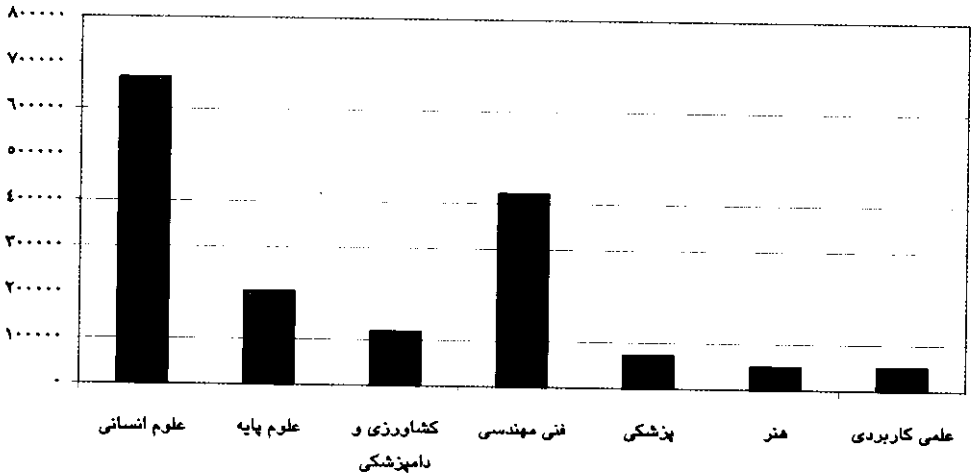
توزیع پذیرفته شدگان در گروه های عمده آموزشی در جدول شماره ۹ و نمودارهای شماره ۸ و ۹ ارائه شده است.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی پذیرفته شدگان بر حسب رشته آموزشی

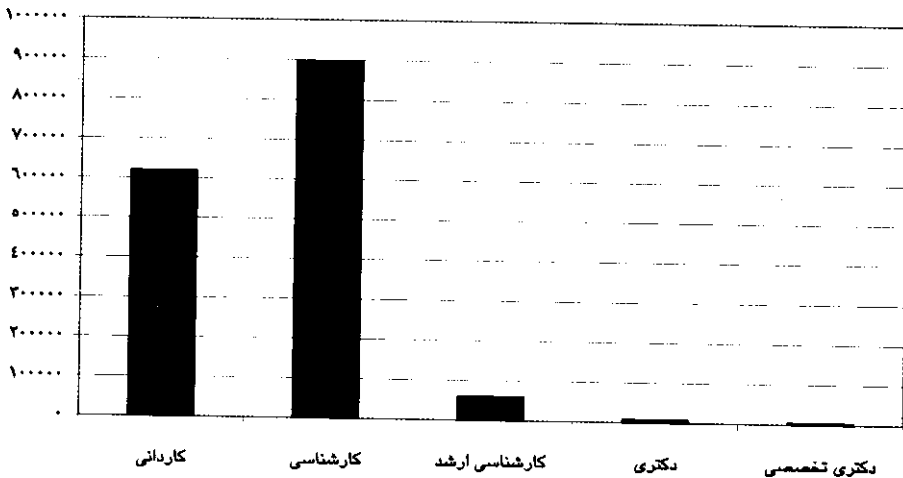
رشته آموزش عالی							فراوانی
علمی کاربردی	هنر	پزشکی	فنی مهندسی	کشاورزی و دامپزشکی	علوم پایه	علوم انسانی	
۵۱,۱۲۶	۲۹,۳۸۸	۴۰,۳۲۲	۲۴۷,۲۷۳	۳۹,۲۱۷	۲۴,۰۸۱	۱۷۸,۳۳۰	کاردانی
۸۶۹	۱۸,۹۲۲	۲۳,۴۸۰	۱۵۸,۳۳۴	۷۲,۷۱۰	۱۵۸,۴۶۸	۴۶۴,۲۹۶	کارشناسی
۰	۲,۲۲۲	۸۹۷	۱۵,۳۲۶	۵,۴۲۵	۱۰,۶۱۵	۲۵,۵۵۸	کارشناسی ارشد
۰	۰	۶,۸۸۸	۰	۹۳۱	۰	۰	دکتری
۰	۴۲	۱,۶۱۸	۱,۱۱۴	۵۸۴	۱,۰۴۵	۱,۰۰۵	دکتری تخصصی
۵۱,۹۹۵	۵۰,۵۸۴	۷۳,۲۰۶	۴۲۲,۰۴۷	۱۱۸,۸۶۷	۲۰۴,۲۰۹	۶۶۸,۲۸۹	تعداد
۲/۳	۳/۲	۴/۶	۲۶/۵	۷/۵	۱۲/۸	۴۲/۱	درصد

در نمودار شماره ۸ تا ۱۱ نرخهای فعالیت جامعه مردان و زنان فعال کشور در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ ارائه شده است. همچنین در جدول شماره ۱۲ متوسط طول عمر کاری مردان در سال ۱۳۷۵ محاسبه و آورده شده است.

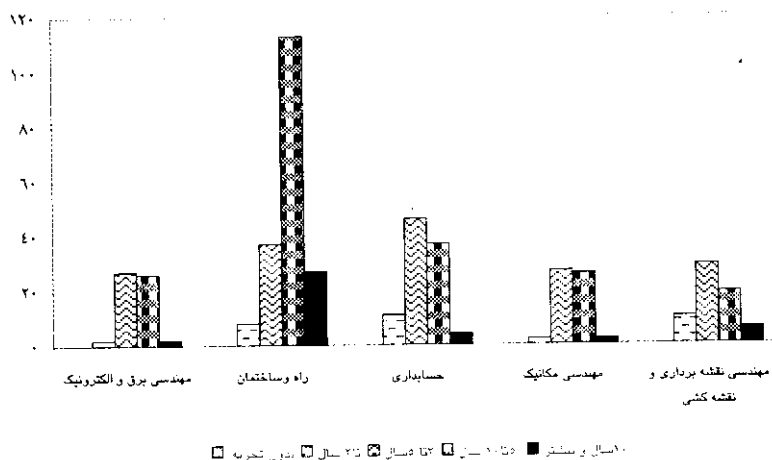
نمودار شماره ۸ توزیع پذیرفته شدگان آموزش عالی کشور بر حسب گروههای تحصیلی در سال ۱۳۸۴



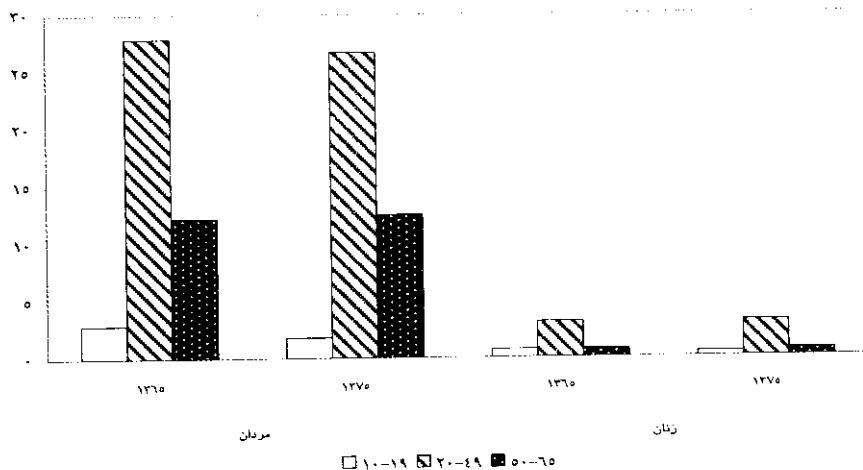
نمودار شماره ۹: توزیع پذیرفته شدگان آموزش عالی بر حسب رده تحصیلات در سال ۱۳۸۴



جدول شماره ۱۰: سالیان تجربه مورد نیاز برای استخدام فارغ التحصیلان بر حسب گروههای آموزش عالی



نمودار شماره ۱۱: توزیع عبرانهای نا خالص فعالیت بر حسب جنس و گروههای عمده سنی و سال



با مرور اطلاعات دریافتی ملاحظه شد که بیش از ۴۲ درصد پذیرفته شدگان نظام آموزش عالی کشور را دانشجویان رشته علوم انسانی تشکیل می داده اند. این در حالیست که حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز موضوع اشتغال فارغ التحصیلان این رشته و جذب آنها به بازار کار، یک معضل جدی بوده است. در هر حال طبق آمار تهیه شده کمتر از ۴ درصد این گروه به کار

دعوت شده اند که اکثراً از بین کارمندان بوده اند؛ در مبحث کیفیت طبعاً دشواری اندازه گیری کیفیت یک مانع جدی برای ارزیابی آن است. فرض کنیم که تشخیص کارفرمایان بخش غیردولتی در جذب و استخدام فارغ التحصیلان یک معیار ارزیابی باشد (گرچه این معیار احتمالاً با خطا همراه است ولی مانند تعیین قیمت یک میوه (مثلاً سیب) توسط خریدار، سنجه ای جامعه پسند است). در چنین وضعی هر دو نکته توأمان باید در نظر گرفته شود: نخست اینکه اصولاً یک شخص حقیقی و یا حقوقی، یک فرصت شغلی به یک فارغ التحصیل ارائه نماید و ثانیاً در ارائه این فرصت شغلی شرایطی منظور کند یا نکند، اگر شرط منظور شده با آموزش ارتباط داشته باشد می توان آن را زمینه ای برای ارزیابی کیفیت ملحوظ داشت.

یک شرط احتمالی در انتخاب دانش آموختگان می تواند لحاظ کردن «سابقه کار» باشد. مفهوم ضمنی لحاظ کردن سابقه کاری تواند این گونه بیان شود که کار فرما چون ابزار دیگری ندارد ترجیح می دهد تا دانش آموخته با «کسب تجربه» ضعف آموخته های خود را، از نظر کاربردی، بر طرف نماید و بدینوسیله مورد تأیید کارفرما قرار گیرد. به عبارت دیگر فرض کنیم که اندوخته علمی شخصی برای تصدی یک فرصت شغلی کافی است. پس وی به کسب تجربه نیازی ندارد ولی اگر کارفرما شرط اندوختن تجربه را لحاظ کند پس آموزش او جوابگوی بازار کار نیست. و کارفرما ترجیح می دهد که مستخدم وی تاوان ضعف آموزشی را از کیسه کس دیگر بپردازد. می توان مباحث مختلفی در این زمینه مطرح کرده و سود یا زیان آموزش های داده شده را نیز استنتاج نمود ولی به همین اکتفا می کنیم که شرط کسب تجربه مترادف کافی نبودن

کیفیت آموزش های داده شده برای تصدی یک فرصت شغلی است. با این فرض می توان در مورد نگرش کارفرمایان دیدگاهی پیدا کرد.

طبق اطلاعات دریافتی هیچ یک از کارفرمایان در آگهی استخدام خود، فرد بدون سابقه کاری نخواستند. بعبارت دیگر آموزش دانشگاهی در هیچ سطحی پاسخگویی نیازهای شغلی نبوده است.

این نتیجه فرضیه ما را در مورد ناکافی بودن آموزش های دانشگاهی برای پاسخگویی به نیازهای شغلی اثبات می کند. با تحلیل آماری انجام شده مشخص می شود که متوسط سنوات تجربه مورد قبول بخش خصوصی به ۵/۸ سال بالغ شده است که بیش از زمان سپری شده در آموزش می باشد. نتیجه مشابهی در مطالعه انجام شده توسط آقای دکتر محمود هدایت ملاحظه میشود.^۱ (در گزارش مشارالیه سالهای تجربه قید شده بطور متوسط بیش از شش سال بود).

با توجه به اینکه در برنامه دولت امکان ایجاد سالانه بیش از چند میلیون فرصت شغلی برای فارغ التحصیلان لحاظ نشده است، عدم موازنه بین دانش آموختگان و تقاضای نیروی انسانی از جمع آنان کاملاً بارز است. بعبارت دیگر امکان ایجاد سالانه مثلاً ۶ میلیون فرصت شغلی یا بیشتر برای جذب ۱/۶ میلیون فارغ التحصیل در هیچ یک از بندهای برنامه و بیانات مسئولان ملاحظه نمی شود، می توان موضوع اقتصاد آموزش عالی را یک مقوله جدی اقتصادی - اجتماعی، برای بررسی لحاظ کرد.

- مفاسد اجتماعی

علت انتخاب مفاسد به عنوان یک عامل و مانع عمده در تحقق توسعه پایدار، ناشی از اهمیت موضوع و ابعاد تاثیر این عامل و شیوع آن در سطح جهانی است. تا جائیکه بحث مفاسد اجتماعی از مدت ها قبل توجه نمایندگان کشور های شرکت کننده در نشست های بین المللی را به خود جلب کرده و نتایج بررسی های انجام شده از وسعت دامنه و ابعاد تاثیر آن در جوامع حکایت می کنند.

همچنین بررسی نمایندگان و متخصصان سازمان ملل نشان میدهد که بخشی از مفاسد بومی و بخشی از آن وارداتی هستند. در اغلب موارد بررسی مفاسد اجتماعی، رد پای تجارت بین المللی و کنترات های پیمانکاری منعقد شده برای اجرای پروژه های بزرگ، توسط کشور های صنعتی ملاحظه می گردد.

جدول عمر کاری و شاخص های زیربند

محاسبه امید زندگی کاری مردان کشور بر مبنای الگوی نرخ های اشتغال ویژه سن گزارش شده در سرشماری سال ۱۳۷۵ می باشد.

- تحولات نیروی انسانی

- ورود به و خروج از بازار کار در جرگه فرضی در زمان سرشماری ۱۳۷۵

علاوه بر محاسبه متوسط طول سالهای فعالیت، جدول عمرکاری، سنجه های جایگزینی و خالی کردن پست یا فرصت شغلی در نیروی انسانی را به ترتیب با ورود به بازار کار و خروج از بازار کار (به دلایل مرگ، بازنشستگی و یا از کار افتادگی) در هر سن یا گروه سنی فراهم میکند. در جدول شماره ۱۲

زندگی فعال اقتصادی، نتیجه محاسبه برای مردان ایران در سال ۱۳۷۵ ارائه شده است.

سنجه ورود به بازار کار مشخص می کند که مردان ایرانی، خیلی زود و در سنین نوجوانی و حتی کودکی فعالیت اقتصادی خود را آغاز می کنند و این ورود به بازار کار، کم اهمیت، ناچیز و یا قابل اغماض نیست.

افزایش نیروی انسانی تا اواخر دهه سی تداوم مییابد ولی نرخ افزایش همچنانکه انتظار می رود کاهش یافته است.

در سال ۱۳۷۵ میزان افزایش سالانه در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله ها به بیشترین مقدار خود یعنی ۶٫۸ در هزار رسیده است. و سپس به تدریج کاسته شده تا در سنین ۳۹-۳۵ سالگی به نرخ نازل ۰٫۵ در هزار افت کرده است.

ملاحظه میشود که میزان های ورود به بازار کار، با تغییرات آن بین گروه های سنی متوالی مشخص شده است، بنابراین شامل اشتغال های فصلی یا اشتغال جوانان در زمان تعطیل مدارس نمی شود. زیرا که اشتغال آنان در زمان سرشماری که آبان ماه و موقع تحصیل است در آمارها منعکس نمی شود. با توجه به اینکه احتمال جابجائی متوالی بین کار و آموزش در برخی از سنین جوانی و نوجوانی وجود دارد، روش فعلی برآورد میزان اشتغال با کم شماری همراه خواهد بود.

از طرف دیگر خروج از بازار کار یا جدا شدن فرد از جرگه جمعیت فعال، در هر لحظه از دوران اشتغال امکان پذیر است ولی میزان آن در سنین پایین کمترین مقدار بوده و به تدریج افزایش می یابد تا در سنین سالخوردگی به بالاترین مقدار خود برسد.

در برآورد مرگ و میر نیروی انسانی فرض پایه همان برابری میزان مرگ و میر جمعیت فعال با جمعیت کل کشور بوده است. این بدان معنی است که الگوی مرگ و میر جمعیت فعال و جمعیت غیر فعال یکسان تلقی شده است. خطای ناشی از این فرض روش محاسبه و نتایج حاصله را با اخلاص مواجه نمی سازد. علاوه بر این قرائن تمایز الگوی مرگ و میر این دو گروه در دست نمی باشد. البته اگر جدول عمر خاص نیروی انسانی شاغل یا جمعیت فعال ایجاد یا لااقل الگوی مرگ و میر جمعیت فعال و نرخ های مربوطه جداگانه محاسبه شده بود رجحان استفاده از آن نیاز به تذکار نداشت و قطعاً نتایج هم دقیق تر بود.

همچنین باید توجه داشت که خروج از بازار کار شامل هر دو دسته یعنی خروج داوطلبانه و خروج ناخواسته (در اثر از کارافتادگی یا هر دلیل دیگر) می شود. مقایسه میزان خروج از بازار کار به دلیل مرگ (Q^d_s) و خروج از بازار کار بدلیل بازنشستگی و از کار افتادگی ($Qx \checkmark$) برای مردان ایران نشان می دهد که نرخ خروج به دلیل مرگ بالا تر از نرخ خروج در اثر سایر عوامل است.

خروج از بازار کار در سنین پائین تر از گروه سنی ماکزیم اشتغال عموماً بدلیل مرگ در نظر گرفته شده است. همچنانکه انتظار می رود نرخ خروج از بازار کار بدلیل مرگ در کلیه سنین نسبت به سال ۱۳۶۵ اندکی کاهش یافته است که ناشی از کاهش میزان های مرگ و میر و افزایش امید زندگی مردم است. در مقابل خروج از بازار کار بدلیل بازنشستگی رو به افزایش است و انتظار می رود در آینده ابعاد بیشتری هم بیابد.

نکته دیگری نیز که باید یادآور شد این است که خروج از بازار کار بدلیل بازنشستگی شامل کسانی است که دوباره الزاماً به بازار کار وارد می شوند

نمی‌گردد و در واقع میزان های خالص خروج از بازار کار در محاسبه وارد شده است آنهم بر اساس تفاوت دو گروه سنی. بنابراین برآورد خروج از بازار کار، با ناخالصی همراه است.

- ورود به بازار کار در فاصله دو سرشماری در جرگه واقعی

سنجه هائی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت بر تاثیر تحولات سنی در نیروی انسانی و در فاصله دو سر شماری دلالت دارد که در چهارچوب جدول عمر کاری ارائه شده است.

در واقعیت، ورود به بازار کار و خروج از آن پدیده هائی هستند که در طی زمان رخ می دهند و میزان های فعالیت و مرگ و میر توابعی هستند که با زمان تحول می یابند. بنابراین تحولات زمانی آنها باید در محاسبات ملحوظ شود تا بدینوسیله امکان اندازه گیری حدود تاثیر عوامل تحول واقعی در نیروی انسانی در فاصله بین دو سر شماری فراهم شود. بدین منظور ضروری است که جرگه های جمعیت و نیروی انسانی یک سرشماری باجرگه های متناظرشان در سرشماری بعدی مورد تطبیق قرار گیرد.

نتایج یک چنین بررسی برای مردان کل کشور در فاصله سرشماری های

۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ انجام شده است و در جداول ۱۲ تا ۱۳ ضمایم ارائه شده است.

گفتنی است که جمعیت فعال هر جرگه سنی از آغاز دوره (مثلاً زمان

سرشماری سال ۱۳۶۵) توسط دو عامل یعنی مرگ و خروج از بازار کار (بازنشستگی و از کار افتادگی) کاهش می یابد (از تاثیر مهاجرت بین المللی صرفنظر شده است) و توسط عرضه نیروی انسانی جدید، یا کسانی که به تازگی

در همین فاصله بین دو سرشماری و با رسیدن به سن $(x+10)$ سالگی وارد بازار کار میشوند، افزایش پیدا میکند. با توجه به این نکات می توان عوامل تحولات بین دو سرشماری را با استفاده از روابط زیر برآورد نمود:

(۱) ورود به بازار کار یا خروج از آن به دلیل باز نشستگی:

$$L_{x,t} - L_{x,1} * S_{x,+1} = A_x + Q_{x,r}$$

(۲) خروج از بازار کار به دلیل مرگ:

$$L_{x,1} - L_{x,1} * S_{x,x+t} = Q_{x,d}$$

در روابط فوق:

$L_{x,1}$ = اندازه نیروی انسانی جرگه x ساله ها (یا x تا $x+n$ ساله ها) در اول دوره
 $L_{x,t}$ = اندازه نیروی انسانی همان جرگه t سال بعد (مثلا ده سال بعد)، متغیر t
 برای نشان دادن طول فاصله بین دو آمار گیری به کار برده شده است.
 $S_{x,x+t}$ = میزان بقای بین دو سرشماری جرگه در جمعیت مردان کشور است.
 برآورد تعداد مرگ ها بر مبنای معادله ۲ مشخص کننده تاثیر خالص مرگ و میر است مشروط بر اینکه جمعیت مورد بررسی جمعیت بسته (Closed population) فرض شود.

بدیهی است که در محاسبات مذکور خطای ناشی از گزارش نادرست جمعیت فعال در سرشماری ها و نیز گزارش نادرست سنی موجب بروز اختلال است. تاثیر این عوامل در نتایج سرشماری ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ کل کشور از اهمیت خاصی برخوردار است.

ساختار فعالیت نیروی انسانی

- جنبه های ساختاری نیروی انسانی

ساختار فعالیت نیروی انسانی در رده بندی های عمده با سه رده اصلی مشخص می گردد که این سه رده مربوط به عملکرد کارگاه یا موسسه که فرد در آن کار می کند یا قبلاً شاغل بوده، مربوط است. این سه رده عبارتند از:

الف - شغل (Occupation)

ب - سمت در شغل (Status)

ج - فعالیت (Industry)

منظور از شغل پیشه فرد است یعنی نوع کاری که شخص انجام می دهد.

منظور از سمت در شغل قرار گرفتن شاغل در یکی از رده های :

کارفرما، مزد و حقوق بگیر، کارکن مستقل و غیره است.

و بالاخره منظور از فعالیت، رجوع به نوع عملکرد کارگاه یا موسسه ایست که

فرد در آن مشغول کار است از قبیل کشاورزی، صنعت، حمل و نقل و نظایر اینها.

- ساختار شغل و سمت در شغل نیروی انسانی

- ساختار شغل

در زمینه توسعه پایدار، توزیع مشاغل جمعیت فعال از نظر اقتصادی،

پیامد تغییر در تقاضای کالاها و خدمات و عرضه مهارت های شغلی لازمه مشاغل مختلف را انعکاس می دهد. اطلاعات گردآوری شده در مورد الگوها و

روندهای آنها از اهمیت خاصی در چهارچوب برنامه ریزی جمعیت برخوردار

است و جزء لاینفک برنامه ریزی و سیاست گذاری توسعه پایدار اقتصادی - اجتماعی است.

علاوه بر این داده های شغلی در مطالعه رفتار مصرف کننده و تفاوت های رفتاری اقشار مختلف مردم در کنترل باروری، مهاجرت و مرگ و میر کاربرد دارد. برآستی گفته شده است که نقش های متعدد ساختار شغلی در مرتبط ساختن عناصر سازمانهای اجتماعی نشان دهنده اهمیت اساسی آن برای دانشجویان جامعه روزآمد است^۱. ولی در اغلب کشورها عدم امکان مطالعه تطبیقی رده بندی مشاغل امکان بررسی تحولات تاریخی را با دشواری روبرو می سازد.

- مساله آموزش

در مبحث رابطه آموزش و اشتغال در شرایط فعلی عملاً با یک پارادوکس روبرو هستیم که ناشی از دو قضیه زیر است :

جمهوری اسلامی ایران درصد بیشتری از جوانان را در نظام آموزشی نگه می دارد و تلاش دارد که مدت طولانی تری آنها را در چرخه آموزش مشغول سازد تا بدینوسیله زمینه حصول اطمینان از آمادگی آنها برای فعالیت و قبول مسئولیت فراهم شود.

با وجود این میزان بیکاری در بین جوانان بالا است و این بیکاری علیرغم تمهیدات اندیشیده شده در حال افزایش نیز می باشد. در حالیکه وقتی جوانان جذب آموزش می شوند قاعدتاً عرضه نیروی انسانی کاهش می یابد.

گرچه این مساله در بین خانواده های فقیر از اشاعه بیشتری برخوردار است ولی باید گفت بیکاری جوانان شامل همه اقشار اجتماعی شده است. علاوه بر این میزان بیکاری در بین زنان بسیار بیشتر از مردان است (۲۷ درصد زنان در قبال ۹ درصد مردان آمار اشتغال و بیکاری ۱۳۸۱). اگر نیروهای بالقوه جویای کار نیز اضافه شود وضع مشخص تر می شود. از جمع ۴۱۲۷۷۹ نفر جمعیت ده ساله و بیشتر آمارگیری مذکور تنها ۱۳۶۱۲۱ نفر شاغل و ۱۱۳۶۲۵ نفر محصل بوده اند. اگر دارندگان درآمد بدون کار را نیز از این جمع ۴۱ هزار نفری کم کنیم رقم باقی مانده به ۲۸۲۷۲۵ نفر بالغ می شود. حتی با کسر زنان خانه دار باز هم تعداد باقی مانده به ۱۶۸۲۰۱ نفر می رسد که از تعداد شاغلین حدود ۲۴ درصد بیشتر بوده است.

قبلاً به اهمیت آموزش در حذف موانع سنتی و اجتماعی اشتغال اشاره گردید همچنین متخصصان موضوعی علوم اجتماعی متفق القولند که آموزش فقط راهگشای پیشرفت افقی فرد در زمینه اقتصادی نیست بلکه زمینه پیشرفت عمودی او و تغییر جایگاه و طبقه اجتماعی اش را فراهم می سازد.

با توجه به اینکه توسعه عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری ها، اهرمی موثر تر از اشتغال ندارد، اهمیت آموزش در پیشبرد جامعه و زمینه سازی توسعه پایدار مشخص تر می شود.

آمار سال ۱۳۸۱ نشان می دهد که بخش بزرگی از جویندگان کار در گروه های سنی ۱۹-۱۵ سالگی تا ۲۹-۲۵ سالگی قرار دارند. بعبارت دیگر بخش اعظم بیکاران را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند. در حالیکه داده های ذیربط با نرخ بیکاری، اطلاعاتی در مورد اینکه چرا در فاصله (مدرسه تا کار)

شکاف ایجاد شده، در اختیار قرار نمی دهد، نگرانی عمیق خانواده ها و بویژه والدین از عاطل ماندن نیروی کاری جوان خانواده در بیان و رفتار آنان بازتاب دارد.

برخی از صاحب نظران موضوعی در مورد ناهماهنگی بین آموزش های داده شده و نیازهای واقعی فرصت های شغلی بحث کرده و این پدیده را بعنوان وصله ناجور (Occupation misfit) کاری عنوان کرده اند.^۱

روند تحولات بخش غیر کشاورزی

به نوشته کلارک^۲ (Clark) کاهش سهم اشتغال در بخش کشاورزی و سایر بخش های ابتدایی تولید در یک جامعه در حال توسعه مقدماتاً با افزایش سهم بخش دوم (صنعت) همراه است ولی در مراحل بعدی با افزایش نسبی در بخش خدمات نسبت به بخش صنعت ادامه می یابد. این نظریه بر اساس کثش تقاضا برای محصولات بخش خدمات پایه گذاری شده است.

در مطالعه تطبیقی دو بعدی سهم بخش های فعالیت (غیرکشاورزی) کشورهای مختلف، کوزنتس سطح دیگری از توسعه را نمایانده است که برای درآمد سرانه سنجیده می شود. او همبستگی نزدیکی بین سطح درآمد سرانه و سهم بخش خدمات یافته است. بر اساس یافته های وی همبستگی بین توسعه بخش صنعت و درآمد سرانه قویتر است. بدین ترتیب نسبت نیروی انسانی

1- Manpower Report of President p.112

2- Clark conditions of Economic progress pp.493.495

شاغل در بخش صنعت به نیروی انسانی شاغل در بخش خدمات همبستگی مثبتی با توسعه اقتصادی دارد.

در بررسی سری زمانی کوزنتس نشان داده شده است که افزایش سهم بخش صنعت نه از نظر میزان افزایش، قابل ملاحظه و نه از نظر پایداری در حد انتظار بوده است. و در اکثر کشورهای در حال توسعه کاهش سهم بخش کشاورزی به انباشت سهم خدمات منجر شده است. به زعم او این روند ممکن است با تغییر میزان بهره وری سرانه نیروی انسانی توجیه شود.

نتیجه گیری

در مطالب زیر خلاصه یافته های این گزارش ارائه شده است. از این نتیجه گیری ها می توان در توسعه مطالعات نیروی انسانی و کاربرد یافته های گزارش، سود برد. جمعیت فعال کشور در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ چند برابر شده است و این سیر صعودی چند سال دیگر تداوم خواهد داشت. وضعیت افزایش جمعیت شاغل کشور بدین نحو بوده است که از ۵/۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵، ۷/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵، ۸/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵، ۱۱/۰ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۴/۶ در سال ۱۳۷۵ و سپس با یک جهش در سال ۱۳۸۵ به رقم بی سابقه ۲۳/۵ میلیون نفر رسیده است و با تغییر ساختار جمعیت انتظار می رود باز هم شاهد افزایش میزان فعالیت باشیم. تغییرات میزان اشتغال از ۱/۸۸ درصد دوره ۱۳۵۴-۱۳۵۵ به ۲/۷۱ درصد در دوره ۵۵-۱۳۴۵ و سپس با افت سریع به ۲/۱۵ درصد در دوره ۶۵-۱۳۵۵ کاهش یافته است. و پس از آن با نرخ رشدی معادل این دوره یا نزدیک به آن

افزایش یافته است. در هر حال میزان رشد اشتغال اولاً همواره بیشتر از ۱/۵ درصد بوده و ثانياً در مقطع اول از نرخ رشد جمعیت پایین تر قرار گرفته است. ولی در سال ۱۳۶۵ به بعد که شاهد کاهش نرخ رشد جمعیت بوده ایم میزان اشتغال از میزان رشد جمعیت پیشی گرفته است. درصد جمعیت فعال کشور در قسمت اعظم دوره مورد بررسی پائین بوده و بازهم کاهش یافته است و از رقم ۴۷ درصد در سال ۱۳۴۵ به رقم ۲۶/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ افت کرده ولی در فاصله سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵ با جهش قابل ملاحظه به ۳۹,۵ درصد رسیده است. در حالیکه میزان اشتغال مردان در حد قابل قبولی قرار داشته است، میزان اشتغال زنان سهم ناچیزی در فعالیت های اقتصادی را تشکیل داده است. مشارکت زود هنگام (خردسالی و جوانی) در فعالیت اقتصادی و باقی ماندن طولانی تر سالخوردگان در بازار کار، مبنای مطابقت الگوی مشارکت در فعالیت های اقتصادی کشور با کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته است. امید زندگی کاری جمعیت برای مردان و زنان در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۳۷ و ۳/۵ سال بوده است. پایین بودن میزان اشتغال زنان موجب پایین بودن نرخ خام فعالیت شده است. این وضعیت، مشابه دو قرن پیش کشور های توسعه یافته است. به نظر می رسد آموزش یک عامل قدرتمند و شاید موثرترین عامل اشتغال زنان در خارج از منزل بوده باشد. این عامل نه تنها موانع منفی اشتغال زنان را در هم فرو می ریزد بلکه دریچه جدیدی از زندگی را برای زنان شاغل و فعالیت آنان در مشاغل مناسب و قابل قبول برای این بخش از جمعیت کشور می گشاید. با افزایش تعداد زنان تحصیل کرده انتظار می رود که در آینده شاهد توسعه هر چه بیشتر اشتغال زنان بوده

باشیم. وضعیت مشابه در مورد صنعت کم و بیش مصداق دارد. ارزیابی آتی و اجرائی شدن سیاست های متخذه زیربط مستلزم درک وضعیت اشتغال و فعالیت اقتصادی و نقاط قوت و ضعف آن است تا بدین وسیله امکان توجه به تغییرات احتمالی در عوامل موثر فراهم گردد. افزایش امید زندگی مترادف باقی ماندن تعداد بیشتری از جمعیت فعال تا سالهای بعد از بازنشستگی است و این امر نیازمند توجه هر چه بیشتر به مسائل اجتماعی دوران خروج از بازار کار بوده و تجدید نظر در برنامه ها را اجتناب ناپذیر می سازد. همچنین می تواند در مورد بقای بیشتر جمعیت فعال در بازار کار تأثیر تعیین کننده داشته باشد.

ضمایم:

- سنجه های زندگی کاری یا طول دوران اشتغال

روش های مختلفی برای محاسبه طول دوران فعالیت متداول است. نخستین شاخصی که مورد بررسی قرار می گیرد شاخص سالهای زندگی کاری ناخالص ، یا خام است. یعنی «Gross years of Active Life» که به صورت اختصاری «GYAL» نامیده می شود. این شاخص به صورت متوسط سرانه سالهای فعالیت در یک جرگه فرضی (Hypothetical Cohort) است که طبق مفروضات در فاصله دوره ورود به بازار کار تا بازنشستگی زنده می ماندند و تحت تاثیر نرخهای اشتغال مقطع سرشماری قرار دارند.

اگر W_x نشاندهنده نرخ فعالیت ویژه سن x و V_x نشاندهنده سالهای

بین دو مقطع سرشماری باشد در آن صورت داریم: $GYAL = \sum V_x \times W_x$ ←

علامت جمع برای انجام محاسبه در فاصله بین پایین ترین کرانه سنی نیروی انسانی و بالاترین آن یا هر دو مقطع دلخواه دیگر قابل استفاده است.

در جدول شماره ۱۰ سالهای فعالیت ناخالص یا خام برای مردان و زنان کشور در دو مقطع سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ محاسبه و ارائه شده است.

جدول شماره ۱۰: محاسبه سالهای ناخالص فعالیت بر حسب جنس و گروه سنی

زنان		مردان		گروه سنی
۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	
۰,۴	۰,۷	۱,۸	۲,۹	۱۰-۱۹
۳,۱	۳,۱	۲۶,۷	۲۷,۹	۲۰-۴۹
۰,۶	۰,۷	۱۲,۵	۱۲,۲	۵۰-۶۵
۴,۱	۴,۵	۴۱,۰	۴۳,۰	۱۰-۶۵

در مقایسه با کشورهای صنعتی شاخص سالهای زندگی کاری ناخالص در ایران بالاتر است. اگر از عامل مرگ و میر صرفنظر کنیم جمعیت ایران مانند اغلب کشور های در حال توسعه، سالهای بیشتری در بازار کار سپری می کنند، وضعیت مشابهی در مورد سایر کشور های در حال توسعه مشاهده شده است. بر اساس یافته های فوق می توان انتظار داشت که در آینده شاخص GYAL در کلیه کشور هائی که در مسیر صنعتی شدن حرکت می کنند کاهش یابد. این وضعیت در مورد ایران و در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ مشهود است.

در هر حال باید به خاطر داشت که میزان کاهش در شاخص مذکور برای ادوار بین سرشماری ها متفاوت خواهد بود. بخشی از این تفاوت ناشی از تغییر در میزان سالهای ناخالص کاری در سنین پایین (زیر ۲۰ سالگی) است که مبین نوسان در میزان های فعالیت این گروهها است. در جای دیگر اشاره شد که این تحول تحت تاثیر عوامل مختلف ، از جمله آموزش و اقبال بیشتر جوانان به کسب سطوح علمی بالاتر قرار دارد. از طرفی دیگر ثبات نسبی سنوات کاری در گروه میانی دوران اشتغال (۲۰ تا ۴۹ سالگی) مبین تلاش عامه مردم برای تامین معاش (یا به عنوان نان آور خانواده و یا فعالیت بیرون از منزل زنان) از روال عمومی اشتغال تبعیت می کند.

نتیجه محاسبه نشان میدهد که بطور متوسط یک مرد ایرانی، اگر از سن ۱۰ سالگی تا ۶۵ سالگی زنده بماند، بر اساس الگوی میزان های اشتغال ویژه سن سال ۱۳۷۵ از مجموع ۵۵ سال زندگی این دوره ۴۱ سال در وضعیت فعال

اقتصادی خواهد گذراند. به عبارت دیگر و نزدیک به ۷۵ در صد این دوره را فعال (یا کار می کند و یا در جستجوی کار است) خواهد بود.

- امید زندگی کاری (Working Life Expectancy)

شاخص مهم دیگری که مورد استفاده گسترده ای نیز دارد، امید زندگی فعال (EW_x) است. این شاخص متوسط سرانه زندگی فعال در یک جرگه فرضی و در هر سن درست x ، تحت شرایط (مرگ و میر و فعالیت جاری) است. این شاخص بر خلاف شاخص قبلی تاثیر عامل مرگ و میر را در محاسبه لحاظ میدارد، در نتیجه تعداد سالهائی را که انتظار می رود شخص، تحت شرایط مفروض در فعالیت سپری کند، ارائه میدهد.

مقدار این شاخص برای سن x برابر است با:

$$EW_x = \sum_n LW_x \div l_x$$

در رابطه بالا $n LW_x$ نیروی انسانی همایند (Stationary Population) بین سنین x و $x+n$ سالگی است که به صورت حاصلضرب جمعیت همایند یک جدول عمرسنستی و نرخ فعالیت در گروه های سنی x تا $x+n$ محاسبه می شود. در حالیکه l_x تابع باز ماندگی جدول عمر در سن x درست است.

روابط مورد استفاده در محاسبه جدول عمر

W_x - مربوط نرخ اشتغال یا در مواردی نرخ فعالیت یا درصد جمعیت در

نیروی انسانی، این نرخ ها برای ادوار ۵ ساله حساب شده اند حال آنکه امکان

محاسبه تک سنی آنها وجود دارد.

در هر حال نرخ ها برای نقطه میانی گروه سنی لحاظ شده اند.

Lx - این کمیت مربوط است به جمعیت همانند استاندارد. بعبارت دیگر تعداد نفراتی هستند که از بین یک جرگه ده هزار نفری زنده دنیا آمده، در هر یک از فواصل سنی، زندگی می کنند.

LW_x - این کمیت مربوط است به نیروی انسانی مرد جمعیت همانند، بر مبنای نرخهای اشتغال جاری در مقطع آماری، بعبارت دیگر تعداد مردان جمعیت همانند که انتظار می رود ضمن بقا در این جمعیت، جزو نیروی انسانی فعال هم باشند.

$$LW_x = L_x \times W_x \quad (۱)$$

LW_x^* - این کمیت بیانگر تعداد مردان جمعیت همانند است. که بطور نظری فرض می شود که بالاترین نرخ اشتغال در همه گروه های سنی در حد ماکزیمم جاری باشد (بیشینه نرخ اشتغال در جامعه مربوط به این سن است).

$$LW_x^* = L_x \times W_x \quad (۲)$$

کمیت فوق برای محاسبه متوسط سالهای اشتغال باقیمانده در سنین زیر ۳۳ سالگی و حذف تاثیر عامل ورود به بازار کار محاسبه میشود.

eW_x^0 - تعداد مردان بازمانده در هر سن درست که بطور نظری در نیروی انسانی خواهند بود مشروط بر اینکه نرخ های اشتغال در سنین زیر ۳۳ سالگی در همان سطح نرخ ۳۳ سالگی بوده باشند.

$$LW_x^* = \frac{1}{2} (LW_{x-1}^* + LW_x^*) \quad (۳)$$

LW_x^* - تعداد مردان بازمانده جرگه در هر سن درست که بطور نظری در نیروی انسانی خواهند بود مشروط بر اینکه نرخ های اشتغال سنین زیر ۳۷ سالگی در همان سطح نرخ سن مذکور لحاظ شده باشند.

TW_x^* - این ستون بیانگر سالهائی است که شاغلین سن معینی با لحاظ نمودن مقادیر فرضی برای سنین زیر ۳۷ سالگی در بازار کار باقی خواهند ماند می توان این کمیت را با رابطه ریاضی زیر بیان کرد.

$$TW_x^* = \sum_{x=1}^{\infty} (LW_x^*) \quad (۴)$$

$e^o w_x^*$ - این ستون بیانگر متوسط سالهای باقی ماندن در نیروی انسانی برای جامعه مردان در سن معین است و آنرا از روی مقادیر و تعداد باقی ماندگان در بازار کار و لحاظ نمودن تغییرات نرخ ها به انضمام تعداد اشتغال فرضی در سنین زیر ۳۷ سالگی محاسبه می کنند. رابطه ریاضی مربوطه بصورت زیر است:

$$eW_n^* = \frac{TW_x^*}{LW_x^*} \quad (۵)$$

در هر حال برای سنین ۳۳ و بالاتر خواهیم داشت:

$$e^o w_x^* = \frac{Tw_x}{lw_x} \quad (۶)$$

این ستون نشانگر متوسط سالهای حیات باقی مانده در آغاز سن معین است و با رابطه ریاضی زیر بیان میشود:

$$e_x^o = \frac{T_x}{L_x} \quad (۷)$$

توابع TX و LX همان توابع جدول عمر هستند و نیازی برای توضیح آنها نیست.

تفاوت بین e^x و e^w_x نشاندهنده متوسط سالهای بدون فعالیت عمر است. در X سالگی این ستون بیانگر نرخ مرگ و میر ویژه سن جامعه مردان در X سالگی است و بصورت زیر محاسبه میشود:

$$Q_x = \frac{Lx - L_{x+1}}{Lx} \quad (۸)$$

باید توجه داشت که این نرخ مرگ و میر با مفهوم جمعیت همایند (stationary pop.) بیان میشود و نه باقی ماندگان در سن X سالگی درست.

$A_x - 1000$ - این ستون نشان دهنده ورود نیروی جدید به بازار کار جامعه مردان در فاصله دو مقطع متوالی است. این نرخ بیانگر خالص افزایش در جمعیت شاغل همایند، پس از لحاظ نمودن تاثیر عامل مرگ (طی سال یا دوره) می باشد.

$$A_x = \frac{LW_{x+1} - LW_x + LW_x(Q_x)}{Lx} \quad (۹)$$

Q_x^s این ستون بیانگر خروج از بازار کار در جمعیت X ساله همایند جامعه مردان (stationary male pop.) طی دو مقطع متوالی (سالانه یا دوره ای) است که از ترک فعالیت در اثر کلیه دلایل خروج نشأت گرفته باشد.

$$Q_x^s = \frac{LW_x - LW_{x+1}}{LW_x} \quad (۱۰)$$

این سنجه برای مردان کل کشور در مقطع سر شماری ۱۳۷۵ محاسبه شد. جدول عمر به کار برده شده از سری جداول عمر کوول و دمنی (Coal & Demny) و از دسته جنوب (south) انتخاب شد به نحویکه امید ریاضی عمر در بدو تولد برای مردان در سال ۱۳۷۵ معادل ۶۵ سال بوده باشد.

این رقم احتمالا از مقدار واقعی امید زندگی سال مذکور بالاتر بوده باشد ولی به منظور هماهنگی با ارقام بعضی مآخذ، از جمله کتاب برنامه، چنین تصمیمی اتخاذ شد. مبنای استدلال مربوط به بالاتر بودن امید زندگی یاد شده تطبیق میزان های بازماندگی بین دو سرشماری با ارقام متناظر جدول عمر و تفاوت مرگ و میرهای ناشی از محاسبه با این دو الگوی متفاوت است.

وضع اشتغال در سطح تقسیمات سیاسی

در جدول شماره ۱۱ و نمودار شماره ۱۲ نرخ های فعالیت بر حسب استان در سال ۱۳۸۰ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۱: میزانهای فعالیت بر حسب استان و گروه های عمده فعالیت در سال ۱۳۸۰

منطقه	کل			نقاط شهری			نقاط روستائی		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
کل کشور	۳۶,۸۷	۶۱,۸۲	۱۱,۶۹	۳۵,۶۰	۶۰,۷	۹,۸۶	۳۸,۶۳	۶۳,۴۰	۱۴,۱۷
آذربایجان شرقی	۲۹,۳۲	۶۵,۳۳	۱۲,۶۱	۲۴,۸۳	۶۱,۹۹	۶,۹۹	۴۶,۹۸	۷۱,۰۰	۲۲,۲۱
آذربایجان غربی	۴۱,۹۵	۶۷,۲۹	۱۷,۰۳	۳۶,۶۱	۶۴,۴۱	۹,۳۶	۴۸,۵۲	۷۰,۸۲	۲۶,۵۰
اردبیل	۳۷,۹۵	۶۱,۵۰	۱۵,۳۷	۲۴,۳۶	۵۹,۰۰	۹,۲۰	۴۱,۶۳	۶۴,۱۵	۲۱,۰۷
اصفهان	۳۷,۸۱	۶۲,۷۱	۱۱,۴۴	۳۶,۶۵	۶۲,۳۶	۹,۶۸	۴۱,۳۹	۶۳,۷۷	۱۶,۹۷
ایلام	۲۹,۷۲	۵۰,۷۹	۸,۸۹	۲۹,۴۶	۴۹,۳۳	۹,۰۹	۲۰,۰۳	۵۲,۰۸	۸,۶۶
بوشهر	۳۰,۳۲	۵۶,۱۴	۵,۰۲	۲۲,۵۲	۵۷,۳۱	۷,۱۷	۲۷,۵۵	۵۴,۵۹	۲,۴۴
تهران	۳۶,۸۲	۶۲,۱۷	۹,۹۱	۳۷,۱۰	۶۲,۰۶	۱۰,۷۷	۳۴,۹۴	۶۳,۸۹	۳,۹۸
چهارمحال بختیاری	۳۵,۶۹	۵۶,۵۱	۱۴,۸۳	۲۲,۷۶	۵۵,۱۱	۱۰,۵۲	۳۸,۰۰	۵۷,۶۰	۱۸,۳۷
خراسان	۳۸,۹۷	۶۳,۳۶	۱۵,۲۰	۳۶,۶۴	۶۲,۲۹	۱۰,۸۴	۴۱,۹۶	۶۴,۷۷	۲۰,۵۸
خوزستان	۳۵,۶۲	۶۱,۷۴	۹,۳۰	۳۵,۱۶	۶۰,۴۹	۹,۵۸	۳۶,۴۹	۶۴,۱۴	۸,۷۶
زنجان	۴۰,۵۶	۶۲,۶۲	۱۹,۹۱	۳۵,۹۲	۵۹,۳۴	۱۲,۴۰	۴۴,۹۹	۶۵,۹۸	۲۶,۶۰
سمنان	۳۱,۵۲	۵۵,۷۹	۵,۸۶	۳۱,۱۱	۵۳,۹۶	۶,۸۶	۳۲,۴۲	۵۹,۸۷	۳,۶۵
سیستان و بلوچستان	۳۲,۲۴	۵۶,۷۴	۷,۵۵	۲۲,۰۴	۵۶,۰۷	۷,۴۲	۳۲,۴۲	۵۷,۳۳	۷,۶۶
فارس	۳۵,۱۰	۶۰,۸۰	۹,۰۶	۲۴,۸۰	۶۰,۲۴	۹,۰۶	۳۵,۵۰	۶۱,۵۵	۹,۱۴
قزوین	۳۴,۱۹	۶۰,۷۸	۷,۳۷	۳۴,۳۰	۶۰,۶۸	۷,۳۵	۳۴,۰۵	۶۰,۹۲	۷,۴۰
قم	۳۲,۵۶	۵۶,۷۲	۷,۱۸	۳۱,۹۶	۵۵,۸۶	۶,۸۱	۳۸,۵۱	۶۵,۳۸	۱۰,۸۲
کرمان	۳۴,۲۴	۶۲,۷۴	۷,۰۰	۳۴,۰۱	۵۹,۹۲	۸,۳۲	۳۴,۵۰	۶۶,۰۱	۵,۵۹
کرمانشاه	۳۲,۶۴	۵۵,۱۱	۹,۸۳	۳۳,۳۸	۵۴,۴۸	۱۲,۰۲	۳۱,۷۸	۵۵,۸۶	۷,۲۴
کهگیلویه و بویر احمد	۳۱,۰۲	۵۳,۱۱	۸,۶۸	۳۰,۵۸	۵۱,۳۵	۹,۷۴	۳۱,۴۴	۵۴,۳۶	۷,۹۶
گلستان	۴۱,۴۵	۶۳,۲۹	۲۱,۴۳	۳۷,۰۶	۶۱,۳۰	۱۳,۹۳	۴۴,۵۷	۶۴,۸۳	۲۶,۵۶
گیلان	۴۰,۴۸	۶۳,۷۳	۱۸,۹۷	۳۹,۴۰	۶۲,۹۷	۱۶,۰۴	۴۲,۳۳	۶۴,۴۴	۲۱,۵۴
لرستان	۳۳,۰۷	۵۸,۳۶	۷,۴۱	۳۲,۷۹	۵۶,۶۳	۹,۲۶	۳۳,۴۵	۶۰,۶۴	۴,۸۱
مازندران	۳۷,۰۵	۶۳,۸۸	۱۱,۶۸	۳۵,۴۶	۶۱,۱۹	۹,۸۱	۳۸,۴۲	۶۴,۳۷	۱۳,۳۶
مرکزی	۳۲,۴۱	۵۹,۸۲	۵,۱۲	۳۱,۹۶	۵۷,۳۶	۵,۶۳	۳۳,۰۳	۶۳,۲۹	۴,۴۶
هرمزگان	۳۳,۷۲	۵۹,۸۲	۷,۳۶	۳۶,۵۲	۶۱,۹۲	۹,۹۳	۳۱,۶۵	۵۸,۲۰	۵,۴۲
همدان	۳۹,۳۳	۶۳,۲۵	۱۵,۰۰	۳۶,۶۶	۶۱,۱۳	۱۱,۱۷	۴۳,۱۲	۶۵,۵۲	۱۸,۹۲
یزد	۳۶,۸۳	۵۹,۹۴	۱۱,۸۱	۳۶,۳۸	۵۹,۰۴	۱۱,۳۹	۳۸,۴۶	۶۲,۶۸	۱۳,۳۸

جدول شماره ۱۳: ورود به بازار کار و خروج از بازار کار به دلیل مرگ در فاصله سرشماری

۱۳۶۵-۱۳۷۵

مرگ و میر براساس بقای سرشماری	ورود به بازار کار	بازماندگان براساس جمعیت فعال سرشماری قبل	جمعیت فعال سال ۱۳۷۵	جمعیت فعال سال ۱۳۶۵	گروه سنی
۵۵۷۳۸	۱۵۹۸۹۰۹	-	-	۳۴۹۳۶۲	۱۰-۱۴
۱۴۸۴۷۴	۹۴۲۵۷۶	-	-	۱۳۴۱۱۰۱	۱۵-۱۹
۷۸۴۸۴	۱۷۴۸۸۵	۲۹۳۶۲۴	۱۸۹۲۵۳۳	۱۸۱۶۳۳۸	۲۰-۲۴
۲۹۹۵۸	۴۰۵۶۵	۱۱۹۳۶۲۸	۲۱۳۵۲۰۴	۱۷۳۰۶۸۰	۲۵-۲۹
۴۸۴۶۷	-	۱۷۳۷۸۵۴	۱۹۱۳۷۳۹	۱۴۲۴۲۳۲	۳۰-۳۴
۵۹۸۴۹	-	۱۷۰۰۷۲۲	۱۷۴۱۲۸۷	۱۰۰۸۷۳۳	۳۵-۳۹
۶۳۳۸۰	-	۱۳۷۵۷۶۵	۱۳۵۹۴۷۶	۷۹۹۰۳۰	۴۰-۴۴
۱۰۸۸۰۶	-	۹۵۶۸۸۴	۹۷۱۴۶۲	۸۷۴۰۸۷	۴۵-۴۹
۹۲۵۰۰	-	۷۳۶۶۵۷	۶۶۰۰۰۰	۷۶۸۰۴۷	۵۰-۵۴
۱۱۶۱۸۹	-	۶۶۸۹۷۳	۵۸۱۹۳۲	۶۰۱۲۹۷	۵۵-۵۹
۱۴۴۱۷۱	-	۶۷۵۴۹۷	۵۵۲۰۰۱	۴۹۷۶۵۶	۶۰-۶۴
۲۲۶۰۳۲	-	۴۸۵۱۰۸	۷۵۰۹۴۷	۴۰۷۷۵۷	۶۵-۶۹
-	-	۳۵۳۴۸۲	-	-	۷۰-۷۴
-	-	۱۸۱۷۲۵	-	-	+۷۵

نمودار شماره ۱۲: توزیع نرخهای فعالیت بر حسب استان در سال ۱۳۸۰



با مراجعه به این جدول ملاحظه می شود که نرخ فعالیت در استان های ایلام، بوشهر و کهگیلویه و بویر احمد به ترتیب با $29/7$ و $30/3$ و $31/0$ درصد در پایین ترین سطح قرار داشته اند. این در حالی است که هر سه استان از ساختار اقتصادی مبتنی بر کشاورزی بهره مند بوده اند. در بین استان های مذکور استان بوشهر به دلیل قرار گرفتن در ساحل خلیج فارس و نزدیکی به منابع عظیم عسلویه و نیز احداث نیروگاه اتمی بوشهر احتمالاً در آستانه تحول قرار دارد ولی در مورد دو استان دیگر چشم انداز تحول اساسی در کوتاه مدت بعید به نظر میرسد.

در بین استان های کشور، استان های آذربایجان غربی گلستان و گیلان به ترتیب با $41/95$ ، $41/45$ و $40/88$ درصد رده های اول تا سوم فعالیت را به خود اختصاص داده اند. گفتنی است که هر سه استان یاد شده استان مرزی بوده و از موقعیت کشاورزی و تجاری برخوردار اند. بر اساس این آمار میزان فعالیت

جمعیت ده ساله و بیشتر کشور ۳۶/۸۷ درصد بوده است. میزان فوق برای جامعه شهری ۳۵/۶ و برای جامعه روستایی ۲۸/۶ درصد گزارش شده است جالب توجه است که استان زر خیزی مانند خوزستان با برخورداری از منابع غنی آب و خاک و آفتاب و منابع عمده معدنی یعنی نفت و گاز از نظر میزان فعالیت با ۲۵/۶ درصد پایین تر از متوسط کل کشور بوده است.

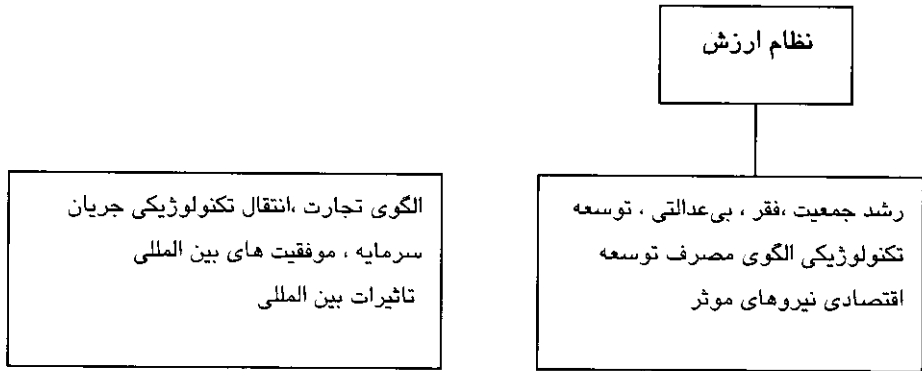
- چالش توسعه پایدار

در تمامی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی از جمله تولیدات صنعتی، کشاورزی و حتی سکونت گاهای انسانی، تقاضاها، بر منابع پایه مبتنی شده است. اگر قرار است که چنین فعالیت هایی در آینده مورد حمایت قرار گیرد ضروری است که از بهره وری بالای منابعی چون انرژی، آب یا خاک اطمینان حاصل شود. استمرار وجود توسعه و پایداری آن در آینده، مستلزم تغییراتی در نگرش توسعه محیط است. چنانچه در حال حاضر این دو مقوله (محیط و توسعه) از نگرانی های مرتبط به هم قلمداد می شوند و درک چالش توسعه پایدار یکی از مسائل اساسی است.

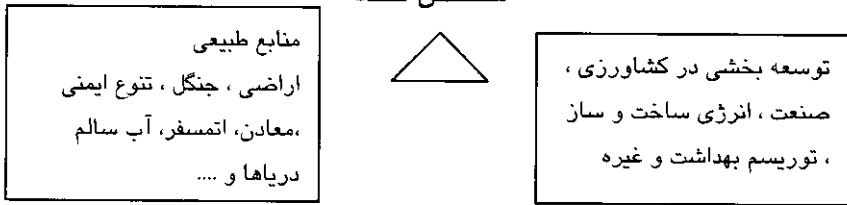
لازمه توسعه پایدار در آینده مستلزم شناخت اساسی در مورد روابط

بین جمعیت (فعلی و آتی) و منابع اصلی کره زمین است.

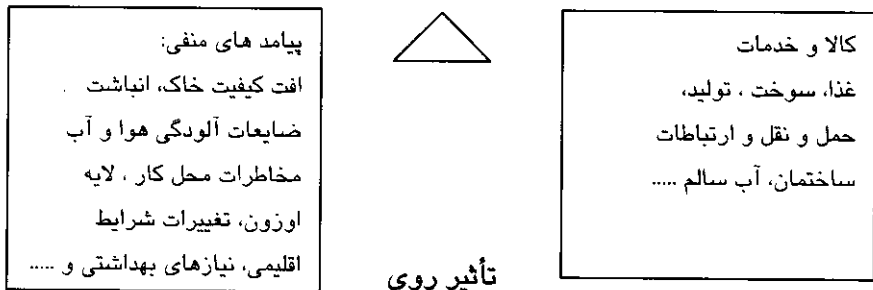
نمودار ۱۳: عناصر تشکیل دهنده توسعه پایدار از دید سازمان ملل



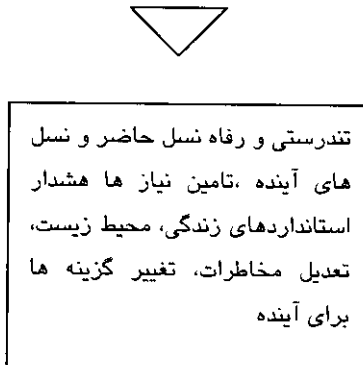
مشخص‌کننده



آثار و پیامدها



تأثیر روی



منابع و ماخذ:

1- The Egyptian Labor Force University of Pennsylvania (Worker Rate) p 45

Abdel-Fattah Nassef

۲- نقش مدیریت تکنولوژی در توسعه پایدار دکتر غلامرضا طالقانی، دکتر رضا رسولی ص ۸

3-Sustainable development The Government approach delivering us sustainable development together

۴- دکتر محمود هدایت، تقاضای نیروی انسانی اطلاعات پایه جلد دوم صص ۳۷۲-۳۹۴

5- Blau and Duncan , the American Occupational Structure p.v

6- Manpower Report of President p.112

7- Clark conditions of Economic progress pp.493.495